



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

# چشمه جاوید

نگاهی به خطبه پیمانبر سر غدیر خم

دکتر مهدی خدابخان آرمی

مجموعه آثار ۷۵۲



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# چشمه جاويد : نگاهي نوبه خطبه پيامبر در عيد غدیر

نویسنده:

مهدي خداميان آراني

ناشر چاپي:

دليل ما

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	چشمه جاوید : نگاهی نو به خطبه پیامبر در عید غدیر
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۳	آغاز سخن
۱۶	فصل اول: یاد خدا
۲۲	فصل دوم: ادامه راه
۲۷	فصل سوم: درگیری حق و باطل
۳۳	فصل چهارم: هدیه ای آسمانی
۴۵	فصل پنجم: دوازده خورشید
۵۱	فصل ششم: امید به آینده
۵۷	فصل هفتم: دورنمای فتنه
۶۵	فصل هشتم: تفاوت دو راه
۷۱	فصل نهم: آخرین موعود
۸۱	فصل دهم: بهشت خدا
۹۳	سوالات سابقه کتاب خوانی
۹۷	درباره مرکز

## چشمه جاوید : نگاهی نو به خطبه پیامبر در عید غدیر

### مشخصات کتاب

سرشناسه: محمد(ص)، پیامبر اسلام، 53 قبل از هجرت - 11ق. Muhammad, Prophet, d. 632.

عنوان قراردادی: غدیر خم، خطبه . فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور: چشمه جاوید: نگاهی به خطبه پیامبر در عید غدیر / [ مترجم ] مهدی خدامیان آرانی.

مشخصات نشرتهران: دلیل ما، 1398.

مشخصات ظاهری: 128ص.

شابک: 800000 ریال 8-150-442-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: فارسی - عربی.

یادداشت: چاپ قبلی : انتشارات عمادزاده، 1396.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.

عنوان دیگر: نگاهی به خطبه پیامبر در عید غدیر.

موضوع: محمد(ص)، پیامبر اسلام، 53 قبل از هجرت - 11ق. -- خطبه ها

موضوع: \*Public speaking -- Muhammad, Prophet

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40ق -- اثبات خلافت

موضوع: \*Proof of caliphate -- Ali ibn Abi-talib, Imam I, 600-661

موضوع: غدیر خم، خطبه

موضوع: Ghadir surmon

شناسه افزوده: خدامیان آرانی، مهدی، 1353 -، مترجم

شناسه افزوده: Khuddamiyan Arani, Mehdi

رده بندی کنگره: BP223/5

رده بندی دیویی: 297/452

شماره کتابشناسی ملی: 5806993

ص: 1

**اشاره**





چشمه جاوید: نگاهی به خطبه پیامبر در عید غدیر

مهدی خدامیان آرانی

ص: 3



در کربلا بودم، در آن حرم سراسر نور، دعا می کردم و از آن بزرگوار می خواستم توفیق نوکری اش را از من نگیرد، وقتی که به پهنای صورت اشک ریختم، دلم آرام و قرار یافت! به هتل بازگشتم، خسته بودم، خوابیدم، نزدیک اذان صبح در خواب، بانویی را دیدم که به من چنین گفت: «از میان همه کتاب های تو، چشمه جاوید را بیشتر می پسندم!».

از خواب بیدار شدم، در تعجب بودم، در میان صد کتابی که نوشته بودم، کتابی به این نام نبود، پس چه رازی در این خواب نهفته بود؟ به قم بازگشتم. نزدیکی از اساتید خود رفتم، ماجرا را بیان کردم، چشمان او پر از اشک شد و گفت: «بانوی مهربانی ها به شما لطف کرده است، اگر به شکرانه این خواب، همه مردم دنیا را اطعام کنی باز هم کم است...».

مدتی گذشت، هر کتابی را تصمیم می گرفتم به این نام بنهم، نیمه تمام می ماند و قلم من قفل می شد! چنین چیزی سابقه نداشت و من همچنان در حیرت از این ماجرا بودم! دلم می خواست آنچه را از من خواسته شده بود انجام دهم، ولی نمی شد و این راز بر من پوشیده بود و همچنان به دنبال گمشده ام بودم.

ایام غدیر نزدیک شد، شبی خطبه پیامبر در روز عید غدیر را مطالعه می کردم،

گمشده انسانِ امروز را در آن خطبه یافتیم و دانستم که خطبه غدیر، چشمه ای جوشان از معارف دین است و برای همیشه بشریت را سیراب می سازد، برای همین تصمیم گرفتم با قلم خویش، پیام رسان غدیر باشم، این گونه بود که راز کتاب «چشمه جاوید» آشکار شد...

این کتاب، برداشتی آزاد از «خطبه غدیر» می باشد و ترجمه «تحت اللفظی» نیست، ولی متن عربی خطبه را از کتاب الإحتجاج نقل کرده ام، و برای حفظ امانت در نقل، هیچ تغییری در آن متن عربی نداده ام. (1) وقتی کار نوشتن کتاب تمام شد، در فکر بودم که چگونه شکر این نعمت را به جا آورم، تصمیم خودم را گرفتم و همه حقوق مادی این کتاب را از خود سلب کردم و به همه اجازه دادم این کتاب را هر تعداد که دوست داشتند، چاپ کنند.

این کمترین کاری است که من می توانم برای شکرگزاری انجام بدهم، من این کتاب را نذر بانویِ مهربانی ها، حضرت فاطمه علیهاالسلام می کنم، شاید...

مهدی خُدامیان

تیرماه 1396

همراه نویسنده 0913 261 94 33

سایت نویسنده: [www.Nabnak.ir](http://www.Nabnak.ir)

جهت دانلود فایل کتاب به سایت بالا مراجعه کنید.

ص: 6

---

1- . المجلّد الاول ص 55-67 (الإحتجاج علی أهل اللجاج، أبو منصور أحمد بن علی بن أبی طالب الطبرسی، ت 620ه، بیروت: مؤسسه الأعلمی الاعلمی، الطبعة الأولى، 1401 ه ق).

آقای من! پاسخ سلام تو را شنیدم، ممنونم که با مهربانی این دژه ناچیز را تحویل گرفتی، من فدای مهربانی تو بشوم ای پیامبر مهربانی ها! ای محمد! ای جلوه زیبای عشق! برایم سخن بگو! خودت می دانی که چقدر محتاج سخن تو هستم! من به تو باور دارم، به خدایی که تو را فرستاده است، ایمان دارم، سخن تو را حق می دانم، برایم سخن بگو! نگذار راه را گم کنم.

نگرانی همه وجود مرا گرفته است، من این همه راه آمده ام چون شنیده ام که تو خبر از رفتن خود داده ای! وقتی تو از این دنیا بروی چه خواهیم کرد؟ به کجا پناه خواهیم برد، راه را چگونه خواهیم یافت، گرگ راه در کمین است تا باور مرا از من بگیرد و بیراهه را برایم همچون راه جلوه دهد. من از فریب ها و نیرنگ ها می ترسم، با من سخن بگو! من اینجا ایستاده ام، روبروی تو! به نشانه ادب، دست بر سینه گرفته ام، نگاه کن! اضطراب را در چهره ام می بینی؟ چقدر دلهره دارم، می دانم وقتی تو بروی، نور

امید در این جامعه خاموش می شود، تو فرستاده خدایی! به نگاه تو دلگرم بودم، وقتی بروی با آماج فتنه ها چه کنم؟ با دروغ های رنگ و لعاب شده چه کنم؟ با آن سرابی که به ما وعده می دهند چه کنم؟ وقتی جهل و جنون سلطه اش را آغاز کند چاره این غمزده چه خواهد بود؟ ای پیامبر مهربانی! غمزدگان را دریاب! این ها فقط حرف های خود من نیست، سخن من، سخن «انسان» است، انسانی که شیطان در کمین او نشسته است و می خواهد او را گمراه کند. انسانی که گاه خیال می کند در این دنیایِ خاکی رها شده است، ولی وقتی با خود خلوت می کند می بیند که از جنس خاک و سنگ نیست، او عظمت روح خود را درک می کند و برای همین با دنیا غریبی می کند. آن کس که «دردِ غربت» را فهمید تو را باور کرد، در سایه قرآنی که تو آوردی، آرامش یافت، پشت سر تو حرکت کرد، ولی اکنون از رفتن تو نگران است! آقای من! تو از رفتن خویش خبر دادی، آن روز بود که اشک ماتم بر چشمانم نشست، حس کردم که با رفتن تو، دل من برای آسمان خدا تنگ می شود. کاش پیش ما می ماندی! ولی این آرزو با حکمت خدا نمی سازد، خدا چنین خواسته است که تو از پیش ما بروی و در بهشت خدا مهمان شوی.

\*\*\*

ممنون تو هستم آقای من! ممنونم که سخنم را شنیدی و می خواهی در اینجا برای ما سخن بگویی! تو صحرای «غدیر» را انتخاب کردی تا مهم ترین سخنان خود را بازگو کنی. این برنامه ای است که خدا تو را به آن فرمان داده است، تو از مدت ها پیش در فکر

ص: 8

اجرای این برنامه بودی.

چند ماه قبل، اعلام کردی که می خواهی به سفر حج بروی، از مدینه به سوی مکه حرکت کردی، بیش از صد هزار نفر، همراه تو حج به جا آوردند، بعد از انجام حج به سوی مدینه به راه افتادید، در مسیر برگشت به «غدیر» رسیدی! «غدیر» به معنای «برکه آب» است، برکه ای که آب تمیزی دارد. برکه ای زلال.

وعده خدا فرا می رسد، در اینجا برایم سخن می گویی! این سخنرانی تو، مرا به ادامه راه فرا می خواند، دیگر هیچ کس راه آسمان را گم نخواهد کرد.

«خطبه غدیر»، یک چشمه جاوید است، چشمه ای که همواره می جوشد و تشنگان حقیقت را سیراب می سازد.

تو در اینجا خطبه می خوانی و سخنرانی می کنی تا برای همه تاریخ، روشنگری کنی و حق را آشکار نمایی. به راستی راز عظمت عید غدیر در چیست؟ اگر عید غدیر بزرگ ترین عید مسلمانان است به خاطر این خطبه توست.

من سخن تو را با تمام وجود می شنوم، پس برایم سخن بگو...

ص: 9

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ، وَ دَنَا فِي تَفَرُّدِهِ، وَ جَلَّ فِي سُلْطَانِهِ، وَ عَظُمَ فِي أَرْكَانِهِ، وَ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ، وَ فَهَرَ جَمِيعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَ بُرْهَانِهِ. مَجِيدًا لَمْ يَزَلْ مَحْمُودًا لَا يُزَالُ.

سخن خود را با یاد خدا آغاز می کنی، او را ستایش می کنی که همه خوبی ها و زیبایی ها از اوست، او یگانه است، مقامی بس بزرگ دارد، به من یاد آوری می کنی که خدا به بندگان خود نزدیک است، جهان را با این عظمت آفرید و به همه چیز آگاهی دارد، قدرت او بی پایان است، جز خوبی و زیبایی از او سر نزده است و همواره شایسته ستایش بوده است.

بَارِئُ الْمَسْمُوكَاتِ وَ دَاحِي الْمَدْحُورَاتِ وَ جَبَّارُ الْأَرْضِينَ وَ السَّمَاوَاتِ. قُدُّوسٌ سُبُّوحٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ. مُتَّفَضِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مِّنْ بَرَأءِهِ، مُتَّطَوِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مِّنْ أَنْشَاءِهِ، يَلْحَظُ كُلَّ عَيْنٍ وَ الْعُيُونُ لَا تَرَاهُ، كَرِيمٌ حَلِيمٌ ذُو أَنْأَةٍ. قَدْ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ، وَ مَنَّ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِهِ، لَا يَعْجَلُ بِإِنْتِقَامِهِ، وَ لَا يُبَادِرُ إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ عَذَابِهِ.



او آسمان ها و زمین را آفریده است و بر آن ها حکم فرمایی می کند، به امر اوست که خورشید طلوع می کند و باران می بارد، خدا از هر عیب و نقصی به دور است، او خدای فرشتگان است. او به همه آفریده هایش مهربانی می کند، او همه را می بیند اگر چه خودش دیده نمی شود، او برتر از آن است که با چشم دیده شود، او هم مهربان است و هم بردبار، سایه مهربانی خود را بر همه چیز افکنده است و با نعمت هایش بر همه ممت نهاده است.

کسانی که نافرمانی او را کنند به عذاب گرفتار می شوند ولی خدا در عذاب گناهکاران عجله نمی کند، به آنان فرصت می دهد شاید توبه کنند.

قَدْ فَهِمَ السَّرَائِرَ، وَعَلِمَ الضَّمَائِرَ، وَلَمْ تَخْفَ عَلَيْهِ الْمَكْنُونَاتُ، وَلَا أَشَّ تَبَهَّتْ عَلَيْهِ الْخَفِيَّاتُ. لَهُ الْأَعْيَانُ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَالْعُلْبَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، وَالْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَالْقُدْرَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، وَكَأَنَّهُ شَيْءٌ، وَهُوَ مُنْشِئُ الشَّيْءِ حِينَ لَا شَيْءَ. دَائِمٌ قَائِمٌ بِالْقِسْطِ. لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

خدا از همه چیز باخبر است، هیچ چیز از او پنهان نیست، از راز دل همه، آگاهی دارد. او به همه چیز قدرت دارد، مثل و مانند ندارد، بی همتاست. او همه چیز را آفریده است ولی خودش آفریده نشده است. هرگز از بین نمی رود، همیشه بوده است و برای همیشه خواهد بود، او هرگز به بندگان ظلم نمی کند، خدایی جز او نیست، او قدرتمند است و همه کارهای او از روی حکمت است.

جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ، وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ، وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ. لَا يَلْحَقُ أَحَدٌ وَصْفَهُ مِنْ مُعَايِنَةٍ، وَلَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرٍّ وَعَلَانِيَةٍ، إِلَّا بِمَا دَلَّ عَزَّوَجَلَّ عَلَى نَفْسِهِ. وَأَشَّ هَدَى اللَّهُ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسَهُ، وَالَّذِي يَعْتَشَى الْأَبَدَ نُورَهُ، وَالَّذِي يُنْفِذُ أَمْرَهُ بِلاَ مُشَاوَرَةٍ مُشِيرٍ، وَلَا مَعَهُ شَرِيكٌ فِي

تَقْدِيرٍ، وَلَا تَقَاوُتٍ فِي تَدْبِيرٍ.

خدا بالاتر از آن است که چشمی او را ببیند، ولی او همه را می بیند، او هرگز در فکر و خیال نمی گنجد، به همه چیز آگاهی دارد. هیچ کس نمی تواند او را ببیند و وصف او را بنماید، هیچ کس نمی داند او چگونه است، او خودش را در قرآن معرفی کرده است، ما می توانیم درباره او، آن طور که در قرآن آمده است سخن بگوییم.

او خدایی است که همیشه از بدی ها و عیب ها به دور بوده است، او همیشه بوده است و هرگز در کارهایش نیاز به راهنمایی دیگران نداشته است و در برنامه هایی که برای جهان دارد، هیچ شریکی ندارد و در اداره کارها دچار اختلاف نظر نمی شود.

صَوَّرَ مَا أَبْدَعَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ، وَ خَلَقَ مَا خَلَقَ بِلَا مَعُونَةٍ مِنْ أَحَدٍ وَلَا تَكَلُّفٍ وَلَا اِحْتِيَالٍ. اُنْشَأَهَا فِكَانَتْ، وَ بَرَأَهَا فَبَانَتْ، فَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، الْمُتَّقِنُ الصَّنْعَةَ، الْحَسَنُ الصَّنِيعَةَ، الْعَدْلُ الَّذِي لَا يَجُورُ، وَالْأَكْرَمُ الَّذِي تَرْجِعُ إِلَيْهِ الْأُمُورُ. وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ، وَ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ.

او جهان را آفرید بدون آن که قبلاً نمونه و الگویی داشته باشد، او در آفریدن جهان از هیچ کس کمکی نگرفت، آفرینش برای او هیچ زحمتی ندارد و در این کار هرگز به بن بست نمی رسد که نیاز به راه حل پیدا کند! قبل از این که او آفریده ها را بیافریند، آنها وجودی نداشتند، این خدا بود که به آنان، نعمت وجود داد.

فقط او شایسته پرستش است، او جهان را محکم و استوار آفرید و آفریده هایش نیکو و زیباست. او هرگز ظلم و ستم نمی کند، گناهان را می بخشد و همه چیز به سوی لطف و مهربانی او باز می گردد. همه چیز در برابر قدرت او، ناتوان است.

مَلِكُ الْأَمْلاَكِ، وَ مُفَلِّكُ الْأَفْلاَكِ، وَ مُسَخِّرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ، كُلُّ بَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى، يُكْوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ، وَ يُكْوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ، يَطْلُبُهُ حَيْثُهَا. فَاصْبِرْ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَ مُهْلِكُ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ. لَمْ يَكُنْ مَعَهُ ضِدٌّ وَ لَا نِدٌّ، أَحَدٌ صَدَّمَ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ رَبٌّ مَّاحِدٌ.

او سرآمد همه قدرت ها است، اوست که کهکشان ها را می گرداند و ماه و خورشید به دست قدرت او می چرخند. تا زمانی که او اراده کند چرخش ماه و خورشید ادامه پیدا می کند، اوست که فرمان می دهد و شب و روز، به سرعت به دنبال یکدیگر می آیند و می روند.

هر وقت اراده کند هر ستمکار لجبازی را نابود می کند و هر شیطان نافرمانی را هلاک می کند. هیچ چیز نمی تواند با اراده او مخالفت کند، برای او همتایی نیست، او یکتا و بی نیاز است. از کسی زاییده نشده است و نه کسی را می زاید، مثل و مانندی ندارد، او یگانه و با عظمت است.

يَسَاءُ فِيمَنْ يُدْعِيهِ، وَ يُرِيدُ فَيَقْضِيهِ، وَ يَعْلَمُ فَيَحْصِيهِ، وَ يَمِيتُ وَ يُحْيِي، وَ يُفْقِرُ وَ يُعْنِي، وَ يُضْحِكُ وَ يُبْكِي، وَ يَمْنَعُ وَ يُعْطِي. لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ، وَ يُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ.

اگر چیزی را بخواهد، آن را حتمی می کند، اگر اراده نماید، آن را انجام می دهد؛ و هر چه را می داند می تواند آن را شمارش کند. اوست که می میراند و زنده می کند؛ فقیر می کند و بی نیاز می سازد؛ گاهی می خنداند، گاهی می گریاند؛ گاهی عطا می کند، گاهی دریغ می کند. حکمرانی جهان از آن اوست؛ حمد و سپاس، شایسته اوست؛ خیر و نیکی هم به دست اوست. او به هر کاری تواناست. شب و روز را

می آورد و می برد، هیچ خدایی جز او نیست؛ همان خدایی که بزرگوار است و گناه بندگان را می بخشد.

مُجِيبُ الدُّعَاءِ، وَ مُجْزِلُ الْعَطَاءِ، مُحْصِي الْأَنْفَاسِ، وَ رَبُّ الْجِنَّهِ وَ النَّاسِ. لَا يُسْكَلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَ لَا يُضْجَرُهُ صُرَاخُ الْمُسْتَضْرِحِينَ، وَ لَا يُبْرِمُهُ الْخَاحُ الْمُلِحِّينَ، الْعَاصِمُ لِلصَّالِحِينَ، وَ الْمُؤَقِّقُ لِلْمُفْلِحِينَ، وَ مُوَلِّي الْعَالَمِينَ. الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ، أَنْ يَشْكُرَهُ وَ يَحْمَدَهُ.

او دعای بندگان را می شنود و حاجت آنان را روا می کند، بخشش های فراوان دارد، او شماره نفَس ها را می داند، او پروردگار جنّ و بشر است. هیچ چیز بر او مشکل و پیچیده نیست.

فریاد دادخواهان، او را به ستوه نمی آورد و اصرار آنها، او را خسته نمی کند. او همان خدایی است که از بندگان خوب خود، محافظت می کند و به رستگاران توفیق انجام کار خیر می دهد و پروردگار جهانیان است و سزاوار و شایسته است که آفریده ها او را شکر و سپاس گویند.

\*\*\*

آقای من! از تو ممنونم! چقدر این سخنان تو به من آرامش داد، این سخنان، سراسر نور است. من اکنون خدا را بهتر می شناسم، دیگر به سخنان آنان که از حقیقت فاصله گرفته اند گوش نمی کنم. کسانی را می شناسم که خود را مسلمان می دانند ولی درباره خدا این گونه کفرآمیز سخن می گویند:

1 - «خدا شب های جمعه به شکل جوانی زیبا به پشت بام ها می آید، خدا را می توان در خواب دید و او را در آغوش گرفت».

2 - «گاهی وقت ها خدا مریض می شود».

3 - «وقتی خدا جهان را آفرید به پشت خوابید و پای خود را روی پای دیگرش انداخت».

4 - «خدا روی تختی می نشیند و چهار فرشته خدا را جا به جا می کنند».

آری، این خدایی است که وهابیت به آن باور دارد!!! من دیگر هرگز به این سخنان توجهی نمی کنم، خدای من آن خدایی است که تو درباره او سخن گفتی، خدایی که هرگز با چشم دیده نمی شود، مثل و مانند ندارد، او بالاتر از آن است که به وصف درآید، از همه ویژگی هایی که آفریده ها دارند به دور است.

\*\*\*

آقای من! برای ما از «توحید» سخن گفتی چرا که اگر باور به خدا نباشد، پیروی از تو و جانشین تو معنایی ندارد، ما از تو پیروی می کنیم چون به «خدا» باور داریم.

راز اطاعت ما از تو، اعتقاد به «توحید» است، اعتقاد به خدایی که تو فرستاده او هستی، خدایی که برای هدایت ما برنامه دارد، او جهان را به حال خود رها نکرده است، نظام هستی را اداره می کند، همه چیز در دست قدرت اوست.

به راستی که من چقدر نیازمندم که بارها این سخنان تو را بخوانم و با خدای مهربان خویش بهتر آشنا شوم!

ص: 15

أَحْمَدُهُ عَلَى السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ، وَالشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ، وَأُؤْمِنُ بِهِ وَبِمَلَايِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ. أَسْمَعُ أَمْرَهُ، وَأُطِيعُ وَأُؤَدِّرُ إِلَى كُلِّ مَا يَرْضَاهُ، وَأَسْتَسْلِمُ لِقَضَائِهِ، رَغْبَةً فِي طَاعَتِهِ، وَخَوْفًا مِنْ عِقَابِهِ، لِأَنَّ اللَّهَ الَّذِي لَا يُؤْمِنُ مَكْرَهُ، وَلَا يُخَافُ جَوْرَهُ. وَأُفِرُّ لَهُ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ، وَأُشَدُّ هُدًى لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ.

آقای من! برایم بیان کردی که خدا را همواره در سختی ها و در راحتی ها، حمد و سپاس می گویی! توبه خدا، فرشتگان، پیامبران قبل و کتاب های آسمانی که قبل از قرآن نازل شده است ایمان داری.

به ما خبر می دهی که همواره گوش به فرمان خدا هستی و به هر چه او راضی است، عمل می کنی و در برابر خواسته هایش تسلیم هستی! زیرا تو مشتاق اطاعت از او هستی و از این که نافرمانی او را بنمایی در هراس می باشی، چرا که هر کس نافرمانی او را بنماید نمی تواند از عذابش در امان باشد. او خدایی است که به هیچ کس ظلم و ستم نمی کند، (این بندگان هستند که با نافرمانی او به خود ظلم و ستم می کنند).

تو فریاد برمی آوری که بنده خدا هستی و شهادت می دهی که او پروردگار توست.

وَأُودِي مَا أَوْحَى إِلَيَّ حَدْرًا مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ، فَتَحِلَّ بِي مِنْهُ قَارِعَةٌ لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي أَحَدٌ وَإِنْ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ. لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ؛ لِأَنَّهُ قَدْ أَعْلَمَنِي أَنِّي إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ.

به ما خبر می دهی که خدا از تو خواسته است کار مهمی را انجام دهی، تو بیم آن داری که اگر از این دستور سرپیچی کنی عذابی بر تو فرود آید که هیچ کس نتواند آن را از تو دور کند.

بار دیگر از یگانگی خدا سخن می گویی و به همه خبر می دهی که خدا پیام مهمی را به تو نازل کرده است و از تو خواسته است تا آن را به همه برسانی، اگر تو این کار را نکنی رسالت خویش را انجام نداده ای.

وَقَدْ ضَمِنَ لِي تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْعِصْمَةَ وَهُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ. فَأَوْحَى إِلَيَّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ فِي عَلَيٍّ يَعْنِي فِي الْخِلَافَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَإِنْ لَمْ تَقَعَلْ فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِيكَ مِنَ النَّاسِ.» مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَا قَصَّرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ.

تو می دانی که اگر این پیام خدا را اعلام کنی عده ای با تو دشمنی خواهند کرد و چه بسا قصد جان تو را بنمایند، ولی خدا به تو ضمانت داده است که حيله دشمنان را از تو دور کند، این وعده خداست که آسیبی به تو نخواهد رسید. به راستی که خداوند مهربان است و بهترین پشتیبان توست.

اکنون آیه ای از قرآن را که خدا بر تو نازل کرده است می خوانی، آری، خدا با تو این گونه سخن گفته است: «به نام خدای بخشنده و مهربان! ای پیامبر! آن چه را

درباره جانشینی علی علیه السلام بر تو نازل کرده ام برای مردم بازگو کن و پیام مرا به آنان برسان! اگر تو این کار را انجام ندهی پیام مرا نرسانده ای. بدان که من تو را از شر مردم حفظ می کنم».

این همان آیه 67 سوره «مانده» است. تو این آیه را می خوانی تا همه بدانند که آن پیام مهم درباره علی علیه السلام است و خدا اراده کرده است و علی علیه السلام جانشین تو باشد.

وقتی این آیه را برای همه بازگو کنی، دیگر دین کامل می شود و آشکار می شود که تو همه آنچه را که خدا بر تو نازل کرد به مردم رساندی و در راه رسالتی که بر دوش داشتی هیچ کوتاهی نکردی.

، وَأَنَا مُبَيِّنٌ لَكُمْ سَبَبَ هَذِهِ الْآيَةِ؛ إِنَّ جِبْرِيْلَ هَبَطَ إِلَيَّ مَرَارًا ثَلَاثًا، يَا مُرْتَبِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي، وَهُوَ السَّلَامُ، أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَأُعْلِمَ كُلَّ أَيْضًا وَأَسْوَدَ، أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، أَخِي، وَوَصِيِّي، وَخَلِيفَتِي، وَالْأَمَامَ مِنْ بَعْدِي؛ الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَهُوَ وَلِيُّكُمْ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ.

اکنون می خواهی علت نازل شدن این آیه را بازگو کنی: جبرئیل سه بار، نزد تو آمد و از طرف خدا به تو دستور داد در سرزمین «غدیر» توقف کنی و برای مردم سخن بگویی.

تو به همه اعلام می کنی که علی علیه السلام برادر، وصی و جانشین توست. او بعد از تو، «امام» خواهد بود. جایگاه او نسبت به تو مانند جایگاه هارون علیه السلام نسبت به موسی علیه السلام است، همانگونه که هارون علیه السلام، جانشین موسی علیه السلام بود، علی علیه السلام هم جانشین توست، البته بعد از تو هیچ پیامبر دیگری نخواهد آمد.



خدا مولا و صاحب اختیار همه است، پس از خدا، تو مولای همه می باشی و بعد از تو، این علی علیه السلام است که مولای همه است.

وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا، الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ، وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ، وَهُمْ رَاكِعُونَ.» وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَهُوَ رَاكِعٌ، يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ.

اکنون می خواهی از آیه 55 سوره مائده سخن بگویی، تو به همه خبر می دهی که این آیه درباره علی علیه السلام نازل شده است. قرآن در این آیه چنین می گوید: «بدانید که فقط خدا و پیامبر و کسانی که نماز را برپا می دارند و در رکوع نماز، صدقه می دهند، بر شما ولایت دارند» .

علی علیه السلام تنها کسی است که نماز را به پا داشته است و در رکوع نماز، صدقه داده است. او همواره کارهایش را فقط برای خدا انجام می دهد، آری، چون علی علیه السلام در آن اخلاص داشت، خدا آن را از او قبول کرد.

آری، تو از سال ها پیش سخن می گویی، از روزی که فقیری وارد مسجد شد و از مردم طلب یاری کرد، اما کسی به او صدقه ای نداد، او به شدت گرسنه بود، مدت ها بود که غذا نخورده بود، بار دیگر از مردم کمک طلبید، نگاهش به علی علیه السلام افتاد که در گوشه مسجد در حال رکوع نماز بود و با دست به او اشاره می کرد تا نزدیکش برود، او نزدیک رفت، علی علیه السلام انگشت خود را به او داد، اینجا بود که این آیه نازل شد.

تو از اخلاص علی علیه السلام در اینجا یاد کردی، زیرا وقتی آن آیه نازل شد، عده ای طمع کردند و چهل انگشت در نماز به فقیران دادند شاید آیه ای درباره آنان نازل

شود، ولی هیچ آیه ای درباره آنان نازل نشد زیرا قصد آنان از این کار، رضایت خدا نبود.

\*\*\*

آقای من! از «توحید» و «یکتاپرستی» سخن گفתי و به این اشاره کردی که خدا هرگز به بندگانش ظلم و ستم نمی کند، این همان معنای «عدل» است، تو گفתי که هر کس نافرمانی کند و با امر خدا مخالفت کند به عذاب گرفتار می شود، یعنی بعد از این دنیا، حساب و کتابی در کار است، روز قیامت حق است، «معاد» حق است.

برایم از پیامبران و کتاب های آسمانی حرف زدی، این همان معنای «نبوت» است. این مسیر تاریخ است: از آدم علیه السلام که اولین پیامبر خدا بود تا تو که آخرین پیامبر هستی. پیامبران، معلمان بزرگ بشریت هستند که هرکدام در یک رتبه و کلاسی، به آموزش بشر پرداخته اند، آنان از اصول و برنامه یکسانی پیروی کرده اند.

مدت ها پیش، تو از رفتن خود خبر دادی، وقتی تو بروی این مسیر با «امامت» ادامه پیدا می کند، مسیر حق از آدم علیه السلام شروع شد و تا روز قیامت امتداد دارد. تو علی علیه السلام و یازده فرزند او را به عنوان «امام» معرفی می کنی، سخن امروز تو، سخنی به امتداد تاریخ است. این گونه است که با نبودن تو، راه هرگز گم نمی شود.

این راه رستگاری، جریان دارد.

تو اصول دین را برایم بازگو کردی، من با این سخنان تو به «توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد» باور بیشتری پیدا کردم.

باز هم برایم سخن بگو! آقای من!

ص: 20

وَسَأَلْتُ جِبْرِيْلَ، أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ، أَيُّهَا النَّاسُ! لِعِلْمِي بِقَلْبِ الْمُتَّقِينَ، وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ، وَإِدْغَالِ الْإِثْمِينَ، وَخَتْلِ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ؛ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ، بِأَنَّهُمْ يَقُولُونَ بِالْسِّنْتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ، وَيَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ.

جبرئیل از طرف خدا تورا مأمور کرد تا مردم را به ولایت علی علیه السلام فراخوانی، تو از جبرئیل خواستی تا از خدا بخواهد و خدا تورا از این مأموریت معاف کند. به راستی چرا تو چنین خواستی؟ چه رازی در این کار تو بود؟ تو می دانستی که تعداد مومنان کم و تعداد منافقان زیاد است، خبر داشتی که منافقان با علی علیه السلام دشمن هستند، می دانستی که آنان آماده اند تا تورا مسخره کنند و از دشمنی های خود پرده بردارند، آنان مکر و حيله در سر دارند و می خواهند دین واقعی را از بین ببرند.

منافقان کسانی هستند که به ظاهر، نماز می خوانند و روزه می گیرند، اما دل های آنان از نور ایمان خالی است، خدا در قرآن در آیه 167 سوره آل عمران، درباره

آنان چنین سخن گفته است: «آنان سخنانی به زبان می آورند که در دل به آن ایمان ندارند». آری، منافقان دورو هستند و خیال می کنند این کارشان، گناه نیست، در حالی که این دورویی، گناهی بس بزرگ است.

وَ كَثْرَهُ أَذَاهُمْ لِي فِي غَيْرِ مَرَّةٍ، حَتَّى سَمَّوْنِي أَذُنًا، وَ زَعَمُوا أَنِّي كَذَلِكُ، لِكَثْرِهِ مُلَاذِمَتِهِ إِيَّايَ وَ إِيْبَالِي عَلَيْهِ؛ حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ذَلِكَ قُرْآنًا: «وَ مِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ، وَ يَقُولُونَ هُوَ أَذُنٌ، قُلْ أَذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ، يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ، وَ رَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ، وَ الَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ، لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.» وَ لَوْ شِئْتُ، أَنْ أُسَمِّيَ الْقَائِلِينَ بِذَلِكَ بِأَسْمَائِهِمْ، لَسَمَّيْتُ، وَ أَنْ أُوْمِي إِلَيْهِمْ بِأَعْيَانِهِمْ، لَأُوْمَأْتُ، وَ أَنْ أَدُلَّ عَلَيْهِمْ، لَدَلَلْتُ، وَ لَكِنِّي وَ اللَّهُ فِي أُمُورِهِمْ قَدْ تَكْرَّمْتُ.

آنان بارها تورا آزار دادند، آنان به علی علیه السلام حسادت می ورزیدند، آنان می دیدند که علی علیه السلام همیشه همراه توست و توبه او توجّه زیادی می کنی و همیشه سخنانش را می پذیری، برای همین از روی حسادت گفتند: «محمد چقدر زودباور است!».

آنان به مردم گفتند که تو ساده و زودباور هستی و فکر می کردند که تو زودباوری! این سخنان منافقان آن قدر ادامه پیدا کرد تا خدا آیه 61 سوره توبه را نازل کرد و با تو چنین سخن گفت: «ای پیامبر! بعضی از منافقان تورا آزار می دهند و می گویند زودباور هستی! به آنان بگو که خوش باور بودن من به نفع شماست، من به خدا و آنچه بر من نازل کرده ایمان دارم و گفتار مؤمنان را می پذیرم، از طرف دیگر، خوش باوری من برای شما که به ظاهر ایمان آورده اید، رحمت است، من سخن شما را قبول می کنم تا اسرار و رازهای شما آشکار نشود. بدانید کسانی که با

گفتار و کردارشان پیامبر خدا را آزار می دهند، به عذاب سختی گرفتار خواهند شد».

آری، این نقطه قوت تو است که بسیاری از چیزها را متوجه می شدی، اما به روی خود نمی آوردی تا دروغگویان رسوا نشوند و راه توبه برای آنان بسته نشود.

اگر توبخواهی، می توانی آن منافقان را نام ببری و آنان را به همه معرفی نمایی؛ ولی این کار را نمی کنی و با بزرگواری با آن ها برخورد می کنی.

وَ كُذِّبَ ذَٰلِكَ، لَا يَرْضَى اللَّهُ مِنِّي، إِلَّا أَنْ أُبَلِّغَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيَّ، ثُمَّ تَلَا: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ! بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ، فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ، وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ.» منافقان نقشه هایی در سر دارند و خطراتی در کمین است، اما تو می دانی تا زمانی که در این سرزمین، ولایت علی علیه السلام را (به طور رسمی) اعلام نکنی خدا از تو راضی نمی شود، برای همین بار دیگر آیه 67 سوره مانده را برای مردم می خوانی، تا همه بدانند خدا با تو چنین سخن گفته است: «ای پیامبر! آن چه از طرف پروردگارت (درباره جانشینی علی علیه السلام) بر تو نازل شده است، برای مردم بازگو کن و به آنان برسان! اگر تو این کار را انجام ندهی پیام خدا را نرسانده ای. بدان که خدا تو را از شر مردم حفظ می کند».

\*\*\*

آقای من! به این سخنان تو فکر می کنم، تو از خط نفاق پرده برمی داری، راز مهمی را آشکار می کنی، اکنون می فهمم که جان تو در خطر است و برای همین خدا وعده داد که تو را از دسیسه های آنان حفظ می کند، ولی سوال من این است: جان تو از طرف کدام دشمن در خطر است؟

ص: 23

از دشمنی که در میان کسانی است که در صف اول نماز، پشت سر تو ایستاده اند. آری، خط نفاق ریشه دوانده است و آماده است تا به دین خدا، ضربه بزند.

من می دانم که حکمت خدا بر این است که همه انسان ها امتحان بشوند، او راه خوب و بد را به همه نشان می دهد، بعد از آن دیگر نوبت انتخاب آنان است، آن ها باید راه خودشان را انتخاب کنند، خدا انسان را با اختیار آفریده است. خدا همواره مردم را به سوی ایمان فرا می خواند و وسیله هدایت آن ها را فراهم می سازد، ولی هرگز آن ها را در پیمودن راه صحیح مجبور نمی کند، تو هم فقط راه را نشان می دهی، انتخاب با خود آن هاست.

وقتی بنا شد اختیار با خود انسان باشد، طبیعی است که عده ای ایمان می آورند و عده ای هم ایمان نمی آورند. اگر خدا انسان ها را مجبور به پذیرفتن راه حق می کرد، هرگز جنگ و اختلافی پیش نمی آمد ولی بشر به کمال نمی رسید، بشری که اختیار ندارد، ظلم هم نمی کند، ولی خدا انسان را به گونه ای آفرید که می تواند راه درست را انتخاب کند، اگر انسان رستگار شود، به اختیار خودش بوده است و این زیبایی انسان است.

این حکمت خداست، و بر اساس این حکمت «نزاع همیشگی بین حق و باطل» پیش آمده است.

خدا آدم علیه السلام را آفرید، شیطان به او حسادت ورزید و با او دشمنی کرد و او را از بهشت بیرون کرد، قابیل، برادرش هابیل را کشت، نزاع نوح علیه السلام با بت پرستان، جنگ فرعون و موسی علیه السلام، ابراهیم علیه السلام نمود، جنگ تو با ابوسفیان. امروز هم که خطر کافران بر طرف شده است منافقان به میدان آمده اند و نقشه ها در سر دارند.

همیشه بین نور و ظلمت درگیری بوده است. یک طرف می خواهد خدا در روی زمین عبادت بشود، عبودیت شکل بگیرد، طرف دیگر می خواهد خدا از یادها برود و شیطان حکم فرما شود. یک طرف «عقل» است و طرف دیگر «جهل». یک طرف «بندگی خدا» است و طرف دیگر «گناه و معصیت»، برای همین است که خط نفاق با علی علیه السلام دشمنی دارد و نقشه ها در سر دارد.

خط نفاق، قصد جان تو را داشت و می خواست قبل از آن که تو ولایت علی علیه السلام را بیان کنی تو را به شهادت برساند، اما خدا نگذاشت، خدا عهد بسته است که هیچ گاه راه حق، مخفی نماند و مسیر رستگاری گم نشود.

ص: 25





## فصل چهارم: هدیه ای آسمانی

فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ اللَّهَ - قَدْ نَصَبَ بِهِ لَكُمْ وَلِيًّا وَإِمَامًا؛ مُفْتَرَضًا طَاعَتَهُ، عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ، وَعَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، وَعَلَى الْبَادِي وَالْحَاضِرِ، وَعَلَى الْأَعْجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ، وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوكِ، وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ، وَعَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ، وَعَلَى كُلِّ مُوَحَّدٍ، مَاضٍ حُكْمُهُ، جَائِزٌ قَوْلُهُ، نَافِذٌ أَمْرُهُ، مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ، مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ، مُؤْمِنٌ مَنْ صَدَّقَهُ، فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ، وَ لِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَأَطَاعَ لَهُ.

اکنون وقت آن است تا به همه اعلام کنی که خدا علی علیه السلام را به عنوان «مولا» و «امام» برگزیده است، این خداست که اطاعت علی علیه السلام را بر همه واجب کرده است. همه (چه مهاجر باشند چه انصار، چه عرب باشند چه غیر عرب، چه بزرگ باشند چه کوچک)، باید از علی علیه السلام پیروی کنند، و به سخنانش گوش دهند.

هر کس با علی علیه السلام دشمنی کند و با سخن او مخالفت کند از رحمت خدا دور می شود و به لعن خدا گرفتار می گردد، هر کس از علی علیه السلام پیروی کند، به رحمت خدا می رسد، هر کس امامت علی علیه السلام را بپذیرد، مؤمن است. هر که سخن علی علیه السلام

را گوش دهد و از او پیروی کند، خدا او را می آمرزد.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقْوَمُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَانْقَادُوا لِأَمْرِ رَبِّكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَإِلَهُكُمْ، ثُمَّ مِنْ دُونِهِ رَسُولُكُمْ مُحَمَّدٌ، وَلِيِّكُمْ وَالْقَائِمُ الْمُخَاطَبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ، وَلِيِّكُمْ وَإِمَامُكُمْ بِأَمْرِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْأَئِمَّةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلْدِهِ، إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ اللَّهَ - وَرَسُولَهُ.

تواز رفتن خود خبر می دهی. سفر حج است و جمعیت فراوانی در اینجا جمع شده اند، اما تو آماده رفتن شده ای، دیگر سال آینده در میان ما نخواهی بود، این مطلب را به مردم می گویی از همه می خواهی تا به سخن تو گوش فرا دهند. به آنان خبر می دهی که آنچه امروز گفتی، دستور خداست و باید از آن پیروی کنند.

این خداست که مولا و صاحب اختیار همه است، او بزرگ و بلند مرتبه است.

خدایی که او را می پرستیم و به یگانگی او باور داریم و باید از دستور او پیروی کنیم. تو محمد، فرستاده او هستی که اکنون در جمع ما ایستاده ای و با ما سخن می گویی، تو سخن خدا را بازگو می کنی، خدا علی علیه السلام را به عنوان امام ما برگزیده است و تو پیام خدا را به ما می رسانی، بعد از علی علیه السلام، فرزندان او، امامان ما هستند، امامت آنان تا روز قیامت ادامه دارد.

آری، تو راه رستگاری را نشان به ما دادی، دیگر هرگز راه گم نمی شود، این راه تا روز قیامت ادامه دارد.

لَا حَلَائِلَ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ، وَلَا حَرَامَ إِلَّا مَا حَرَّمَهُ اللَّهُ. عَرَفَيْ الْحَلَائِلَ وَالْحَرَامَ، وَأَنَا أَفْضَلُ لِمَا عَلَّمَنِي رَبِّي، مِنْ كِتَابِهِ وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ إِلَيْهِ.

تواز قانون های خدا سخن می گویی، بایدها و نبایدهایی که خدا برای زندگی بشر

قرار داده است و هر کس مشتاق رستگاری است باید از این قانون ها پیروی کند.

تو فرستاده خدا هستی و این قانون ها را خدا به تو اعلام کرد، آری، خدا علم قرآن را به تو عطا کرد و تو آن را به علی علیه السلام سپردی.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ، وَكُلَّ عِلْمٍ عَلَّمْتُ، فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ عَلَّمْتُهُ عَلَيًّا، وَهُوَ الْأِيمَانُ الْمُبِينُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ! لَا تَضِلُّوا عَنْهُ، وَلَا تَنْفَرُوا مِنْهُ، وَلَا تَسْتَكْفُرُوا مِنْ وَلَايَتِهِ.

برای ما بار دیگر از علم علی علیه السلام سخن می گویی، علم و دانش او از همه برتر است و برای همین او شایستگی امامت را دارد. علی علیه السلام پیشوای پرهیزکاران است و حق را آشکار می کند.

به همه هشدار می دهی که هرگز از علی علیه السلام جدا نشوند و با او مخالفت نکنند، زیرا مخالفت با او چیزی جز گمراهی نیست. از همه می خواهی تا از راه علی علیه السلام روی برنگردانند و از ولایت او سرپیچی نکنند.

فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ، وَيَعْمَلُ بِهِ، وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ، وَيُنْهَى عَنْهُ، وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ. ثُمَّ إِنَّهُ أَوَّلَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَالَّذِي فَدَى رَسُولَ اللَّهِ بِنَفْسِهِ، وَالَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ، وَلَا أَحَدَ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِهِ، مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ! فَضَّلُوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ، وَاقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ.

باز از ویژگی های علی علیه السلام سخن می گویی و او را بیشتر معرفی می کنی تا همه او را بهتر بشناسند: علی علیه السلام کسی است که خودش به حق عمل می کند و دیگران را به سوی حق راهنمایی می کند. او کسی است که باطل را از بین می برد و مردم را

از باطل دور می نماید. همه کارهای او برای خشنودی خداست و هیچ کس نمی تواند با سرزنش کردن، او را از راه خدا منحرف کند.

علی علیه السلام اولین کسی است که به خدا و تو که فرستاده خدا هستی، ایمان آورده است. او کسی بود که حاضر شد جان خودش را فدای تو کند.

تو در اینجا به «لَيْلَةُ الْمَبِيتِ» اشاره می کنی، آن شب که کافران مکه تصمیم داشتند تا تو را به قتل برسانند و چهل نفر شمشیر به دست، خانه تو را محاصره کردند، آن شب علی علیه السلام به جای تو در بستر خوابید، کافران خیال کردند که تو در خانه در خواب هستی، برای همین تو موفق شدی از خانه بیرون بروی و به سوی مدینه حرکت کنی. علی علیه السلام در حالی که می دانست با طلوع آفتاب، چهل مرد جنگجو به خانه تو حمله می کنند در بستر تو خوابید، او این گونه تا پای جان، تو را یاری کرد، اینجا بود که خدا آیه 207 سوره بقره درباره این فداکاری علی علیه السلام نازل کرد.

آری، در روزگاری که تو به پیامبری رسیدی، همه مردم بت ها را می پرستیدند، در آن زمان، علی علیه السلام تنها مردی بود که همراه با تو، خدای یگانه را عبادت می کرد.

از مردم می خواهی تا علی علیه السلام را از دیگران برتر بدانند، زیرا خدا او را برتر از همه می داند. همه باید امامت او را قبول کنند زیرا خدا او را به عنوان «امام» انتخاب کرده است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ، وَلَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَا يَتَّبِعُهُ، وَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ، حَتَّمَا عَلَى اللَّهِ، أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ فِيهِ، وَأَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا نُكْرًا أَبَدَ الْأَبَدِ، وَدَهْرَ الدُّهُورِ، فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوا، فَتَصِلُوا نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ، أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ.

این سخن را تکرار می کنی: علی علیه السلام امامی است که خدا او را برگزیده است، اگر کسی ولایت او را قبول نکند، خدا به او نظر رحمت نمی کند و گناهان او را نمی بخشد. خدا دشمنان علی علیه السلام را نمی بخشد و آن ها را در روز قیامت برای همیشه به عذابی سخت گرفتار می سازد.

اکنون به کسانی که با علی علیه السلام مخالفت می کنند، هشدار می دهی و آنان را از آتش سوزان جهنم می ترسانی، هر کس راهی غیر از راه علی علیه السلام برگزیند به سوی جهنم رهسپار می شود.

أَيُّهَا النَّاسُ! بِي وَاللَّهِ، بَشَّرَ الْآوَّلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَأَنَا خَاتَمُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، وَالْحُجَّةُ عَلَيَّ جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ، مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، فَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَهُوَ كَافِرٌ، كُفِّرَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى، وَمَنْ شَكَّ فِي شَيْءٍ مِنْ قَوْلِي هَذَا، فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُ، وَالشَّكُّ فِي ذَلِكَ، فَلَهُ النَّارُ.

تو آخرین پیامبر خدا هستی، همه پیامبرانی که قبل از تو آمده اند مژده آمدن تو را داده اند، تو وعده ای بودی که خدا آمدن تو را نوید داده بود. تو آخرین فرستاده او هستی و بعد از تو دیگر هیچ پیامبری نمی آید. تو «حجت خدا» بر همه آفریده های خدا هستی.

کسی که در نبوت تو شک کند، راه کفر را رفته است و همانند بت پرستان زمان جاهلیت است. آری، سخن تو حق است و هرگز از پیش خود سخن نمی گویی، تو پیام خدا را بازگو می کنی، هر کس در سخنان امروز تو، شک کند، معلوم می شود که در پیامبری تو و سخنان دیگر تو هم شک دارد، چنین کسی راه شیطان را می پیماید و سرانجامش چیزی جز آتش جهنم نیست.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! حَبَانِي اللَّهُ بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ، مَنَّا مِنْهُ عَلَيَّ وَإِحْسَانًا مِنْهُ إِلَيَّ، وَلَا

إِلَهَ إِلَّا هُوَ. لَهُ الْحَمْدُ مِنْ أَبَدِ الْأَبْدِينَ وَدَهْرَ الدَّاهِرِينَ، عَلَى كُلِّ حَالٍ. مَعَاشِرَ النَّاسِ! فَضَلُّوا عَلَيَّ، فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي، مِنْ ذَكَرٍ وَأَنْثَى. بِنَا  
أَنْزَلَ اللَّهُ الرِّزْقَ، وَبَقِيَ الْخَلْقُ.

برای ما می گویی که جانشینی علی علیه السلام هدیه بزرگ خدا به توست. ولایت علی علیه السلام، لطف خداست. خدا با این کار بر تو  
مَنّت نهاده است، برای همین او را ستایش می کنی و به یگانگی او شهادت می دهی و او را به خاطر این لطف و احسانش، سپاس بی پایان  
می گویی و در همه حال او را شکر می کنی.

از مردم می خواهی تا علی علیه السلام را از دیگران برتر بدانند زیرا او پس از تو، بهترین انسان هاست و هیچ کس به مقام و جایگاه او نمی  
رسد.

اکنون از راز مهمی پرده برمی داری، همه باید بدانند که اگر خدا باران نازل می کند به خاطر تو و علی علیه السلام است! اگر برکت و  
رحمت خویش را بر بندگان نازل می کند و به آنان روزی می دهد به خاطر شماست. شما واسطه فیض خدا هستید، خدا جهان را به برکت  
وجود شما آفرید.

وقتی من این سخن را می شنوم، به فکر فرو می روم، تو این راز را آشکار می کنی تا مردم بدانند ولایت علی علیه السلام چیزی بالاتر از  
حکومت است، خیلی ها در این دنیا حکومت می کنند، ولی حکومت کجا و ولایت کجا؟ درست است که خدا دوست دارد علی علیه  
السلام حاکم جامعه باشد، ولی این پله اول است، ولایت بالاتر از این حرف هاست.

ولایت یعنی فرمانروایی بر همه جهان! هر قطره بارانی که نازل می شود به برکت ولایت است، بدون اجازه صاحب ولایت، بارانی نازل  
نمی شود، آفتابی طلوع نمی کند، شبی روز نمی شود و روزی

هم شب نمی شود...

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ، مَنْ رَدَّ عَلَيَّ قَوْلِي هَذَا وَلَمْ يُؤَافِقْهُ، أَلَا إِنَّ جَبْرَائِيلَ، خَبَّرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ، وَيَقُولُ: "مَنْ عَادَى عَلِيًّا  
وَلَمْ يَتَوَلَّهُ فَعَلَيْهِ لِعَنَّتِي وَغَضَبِي" فَلْتَنْظُرْ نَفْسُ مَا قَدَّ مَتَّ لِعَدِّ وَاتَّقُوا اللَّهَ- أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا إِنَّ اللَّهَ خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ.

تو می دانی که خط نفاق برای دشمنی با علی علیه السلام برنامه ریزی کرده است، آنان بغض علی علیه السلام را به سینه دارند، زیرا آنان پیرو شیطانند و می خواهند تاریکی بر جامعه سلطه پیدا کند، آنان با نور مخالف اند. آنان نماز می خوانند و خود را مسلمان معرفی می کنند اما با علی علیه السلام دشمنی می کنند. باید به آنان هشدار بدهی، کسی که هزاران سال نماز بخواند ولی با علی علیه السلام دشمنی بکند، از درگاه خدا دور است، زیرا راه شیطان را رفته است.

تو از دشمنی های منافقان با علی علیه السلام خبر داری، برای همین چنین می گویی: «لعنت خدا بر کسی که سخن امروز مرا نپذیرد و با آن مخالفت کند».

آری، امروز جبرئیل این پیام خدا را برای تو آورده است، پیام خدا این است: «هر کسی که با علی علیه السلام دشمنی کند و ولایتش را نپذیرد به لعنت و خشم من گرفتار می شود».

برای مردم می گویی که چگونه با این انتخاب خود، سرنوشت خود را می سازند.

اگر ولایت علی علیه السلام را بپذیرند رستگارند و اگر با ولایت او دشمنی کنند به خشم خدا گرفتار می شوند.

آری، همه باید از خدا بترسند و هرگز با ولایت علی علیه السلام دشمنی نکنند. هر کس خود را اهل ایمان می داند باید به هوش باشد و بداند که دشمنی با علی علیه السلام ایمان را

نابود می کند، خدا از همه چیز آگاه است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُ جَنْبُ اللَّهِ الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ تَعَالَى: «أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ، يَا حَسْرَتِي، عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ».

اکنون از آیه 56 سوره زُمر یاد می کنی و به مردم می گویی که علی علیه السلام همان «جَنْبُ اللَّهِ» است، قرآن در این آیه همه انسان ها را به توبه دعوت می کند تا مبادا کسی در روز قیامت دچار حسرت و پشیمانی شود، در آن روز عده ای چنین می گویند: «افسوس که در جَنْبُ اللَّهِ کوتاهی کردم».

به راستی منظور از «جَنْبُ اللَّهِ» چیست؟ «جَنْبُ اللَّهِ» را می توان در فارسی به معنای «راه خدا» ترجمه کرد. در روز قیامت کافر آرزو می کند کاش در راه خدا کوتاهی نمی کرد.

راه خدا چیست؟ همان راه ولایت علی علیه السلام! هر کس ولایت علی علیهم السلام را قبول نکند، روز قیامت حسرت خواهد خورد. آری، راه امامت، ادامه راه توحید و نبوت است، این امامت است که در هر زمانی حق را از باطل جدا می کند، هر کس از این راه روی برگرداند، بر باطل است و هرگز سعادت مند نخواهد شد.

این آیه از کسانی سخن می گوید که افسوس می خورند چرا در راه اطاعت خدا کوتاهی کردند. راه اطاعت خدا از راه ولایت علی علیه السلام می گذرد.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ، وَ أَفْهَمُوا آيَاتِهِ، وَ أَنْظِرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ، وَ لَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ.

تو می دانی که در آینده منافقان به اسم قرآن سعی خواهند کرد با حق دشمنی



کنند، آنان آیه های قرآن را آن طور که به نفعشان است معنا خواهند کرد و با این کار، مردم را فریب خواهند داد.

اکنون تو از مردم می خواهی تا در قرآن اندیشه کنند و فقط به آیاتی توجه کنند که معنای واضح و روشن دارند. در قرآن آیاتی هست که چند معنا دارند یا مفهوم آن ها واضح و روشن نیست، مردم باید مراقب باشند و تا زمانی که معنای واقعی آن آیات را درک نکرده اند از آن آیات پیروی نکنند.

قرآن آیاتی دارد که نیاز به توضیح دارد تا معنای اصلی آن ها آشکار شود، به راستی وقتی تو از میان ما بروی چه کسی می تواند این کار را برای ما انجام بدهد؟ ما در فتنه هایی که به نام آیه های قرآن در جامعه شکل می گیرد به که پناه ببریم؟ آقای من! این نگرانی ما را برطرف کن! راه را برای ما آشکار ساز تا به اسم قرآن فریب سیاه اندیشان را نخوریم! فَوَاللَّهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ، وَلَا يُوضِحُ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ، إِلَّا الَّذِي أَنَا أَخِذٌ بِيَدِهِ، وَ مُصَدِّعُهُ إِلَيَّ، وَ سَائِلُ بَعْضِدِهِ، وَ مُعَلِّمُكُمْ أَنَّنِي: "مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةً، فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاةً، وَ هُوَ عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ، أَخِي، وَ وَصِيِّ، وَ مَوْلَاةً مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، أَنْزَلَهَا عَلَيَّ." علی علیه السلام در کنار توست، مردم رو بروی تو ایستاده اند، تو دست علی علیه السلام را در دست می گیری و آن را بالا می آوری و چنین می گویی: «به خدا قسم! فقط این کسی که دست او را بالا گرفته ام می تواند حقیقت قرآن و معنای حقیقی آن را برای شما بازگو کند».

آری، تو علی علیه السلام را این گونه به همه نشان می دهی تا بعد از آن، کسی دچار تردید نگردد و فریاد برمی آوری: «هر کس من مولا و آقای او هستم، این علی مولا و

آقای اوست. این علی بن ابی طالب، برادر و جانشین من است، خدا دستور داده است تا شما ولایت او را بپذیرید».

وقتی سخن تو به اینجا می رسد، بار دیگر، نسیم آرامش همه وجود مرا می گیرد، حالا دیگر من راه را بهتر می شناسم، دیگر هراس از فتنه ها ندارم، من راه را از چاه تشخیص داده ام، فهمیدم که قرآن را باید علی علیه السلام معنا کند، آن معنای قرآنی که از علی علیه السلام مجداست، ارزشی ندارد.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ عَلِيًّا وَ الطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي، هُمُ الثَّقَلُ الْأَصَدُّ، وَ الْقُرْآنُ، الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ. فَكُلُّ وَاحِدٍ مُنْبِيٍّ عَنِ صَاحِبِهِ، وَ مُوَافِقٌ لَهُ، لَنْ يَفْتَرِقَا، حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ. هُمُ، أُمَّتَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ، وَ حُكَمَاؤُهُ فِي أَرْضِهِ.

اکنون از امامانی که بعد از علی علیه السلام می آیند سخن می گویی، یازده امامی که از نسل اویند، آنان همه معصوم هستند و از هر گناهی به دورند.

تو دو یادگار ارزشمند از خود به جای می گذاری: یادگار اول تو قرآن است، یادگار دوم تو علی علیه السلام و فرزندان معصوم او هستند. قرآن یادگار بزرگ تر است و آنان یادگار کوچک ترند. آنان معنای قرآن را نشان می دهند، قرآن هم آنان را به مردم معرفی می کند. قرآن کتابی است که هر کس حقیقت آن را دریابد راه علی علیه السلام و فرزندان او را می پیماید.

آری، قرآن و اهل بیت علیهم السلام همیشه در کنار یکدیگر هستند و هرگز از هم جدا نمی شوند. این همراهی، تا روز قیامت ادامه دارد و تو در آن روز، آن ها را کنار حوض کوثر ملاقات می کنی.

آری، قرآن و اهل بیت، امین خدا در میان مردم هستند و به حق و حقیقت حکم می کنند.

أَلَا وَقَدْ أُذِّيتُ، أَلَا وَقَدْ بَلَّغْتُ، أَلَا وَقَدْ أَسَمَعْتُ، أَلَا وَقَدْ أَوْصَحْتُ، أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَالَ، وَأَنَا قُلْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ. أَلَا إِنَّهُ لَيْسَ أَمِيرُ  
الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ أَخِي هَذَا، وَلَا تَجِلُّ إِمْرَةُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ.

به مردم خبر می دهی که تو وظیفه خود را انجام دادی. آنان شاهد بودند که تو پیام خدا را رساندی و دستور خدا را بیان کردی. تو جانشین  
خود را آشکارا معرفی نمودی. سخنان تو از طرف خدا بود، همان خدایی که بلندمرتبه است. او به تو دستور داد تا این سخنان را بگویی و  
تو اطاعت کردی.

دیگر وقت آن است که به مردم بگویی فقط علی است که «امیر مومنان» است.

هیچ کس دیگر را به این نام نخوانید. این لقب، مخصوص علی علیه السلام است. او آقای اهل ایمان است.



ثُمَّ صَدَّ رَبُّ بِيَدِهِ عَلَى عَصُدِهِ، فَرَفَعَهُ، وَكَانَ مُنْذُ أَوَّلِ مَا صَعِدَ رَسُولُ اللَّهِ، شَالَ عَلِيًّا حَتَّى صَارَتْ رِجْلُهُ، مَعَ رُكْبَةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ قَالَ: مَعَاشِرَ النَّاسِ! هَذَا عَلِيٌّ أَخِي، وَوَصِيِّي، وَوَاعِي عِلْمِي، وَخَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي، وَعَلَى تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَالدَّاعِي إِلَيْهِ، وَالْعَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ، وَالْمَحَارِبُ لِأَعْدَائِهِ، وَالْمُوَالِي عَلَى طَاعَتِهِ، وَالنَّاهِي عَنِ مَعْصِيَتِهِ؛ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ، وَآمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْأَمَامُ الْهَادِي، وَقَاتِلُ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ.

اکنون تو بازوی علی علیه السلام را می گیری و او را از زمین بلند می کنی تا همه او را به خوبی ببینند و سپس چنین می گویی: «ای مردم! این علی، برادر و جانشین من است. من همه دانش خود را به او سپرده ام. وقتی من از میان شما رفتم اوست که تفسیر قرآن را می داند و شما را به حقیقت قرآن فرا می خواند. او هر کاری را که خدا راضی است، انجام می دهد و با دشمنان خدا می جنگد. او شما را در راه بندگی خدا یاری می کند و از گناه و معصیت باز می دارد. او جانشین من است، او

امیر مؤمنان و پیشوای هدایتگر است. او با پیمان شکنان، ستم پیشگان و منحرفان پیکار خواهد کرد».

أَقُولُ: "مَا يَدُلُّ الْقَوْلُ لَدَى. بِأَمْرِ رَبِّي أَقُولُ: "اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَالْعَنْ مَنْ أَنْكَرَهُ، وَاغْضِبْ عَلَيَّ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ." اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ عَلَيَّ، أَنَّ الْأَمَامَةَ بَعْدِي، لِعَلِيِّ وَوَلِيِّكَ، عِنْدَ تَبْيَانِي ذَلِكَ، وَنَصْبِي إِيَّاهُ، بِمَا أَكْمَلْتَ لِعِبَادِكَ مِنْ دِينِهِمْ، وَأَتَمَّمْتَ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِكَ، وَرَضِيَتْ لَهُمُ الْأَسْلَامَ دِينًا، فَقُلْتُ: «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْأَسْلَامِ دِينًا، فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ، وَهُوَ فِي الْأَخْرَجِ مِنَ الْخَاسِرِينَ.» إِنِّي أُشْهِدُكَ، وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا، أَنِّي قَدْ بَلَغْتُ.

اکنون می خواهی دعا کنی، زیرا خدا به تو دستور داده است که امروز او را این چنین بخوانی، پس دست به دعا برمی داری و چنین می گویی:

خدایا! از تو می خواهم هر کس که علی را دوست بدارد تو او را دوست بداری، و کسی را که با علی دشمنی کند، دشمن بداری! خدایا! کسی که امامت و ولایت او را نپذیرد لعنت کن و بر کسی که حق او را انکار نماید، خشم بگیر! خدایا! تو علی را به عنوان امام برگزیدی و از من خواستی تا پیام تو را بیان کنم، وقتی من سخن تو را برای این مردم گفتم تو این آیه را نازل کردی: «امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما به اتمام رساندم و راضی شدم که اسلام، دین شما باشد».

خدایا! تو خودت در قرآن چنین گفتی: «هر کس غیر از اسلام، دین دیگری را برای خود انتخاب کند، آن دین از او پذیرفته نمی شود و در آخرت از زیان کاران خواهد بود».

خدایا! تو شاهد باش که من پیامت را به مردم رساندم و تو برای گواه بودن، کافی هستی! مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ، فَمَنْ لَمْ يَأْتَمَّ بِهِ، وَبِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ، إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَالْعَرَضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ، لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ، وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ.

آری، خدا دین را با امامت علی علیه السلام کامل کرد و امامت تا روز قیامت ادامه دارد، پس از علی علیه السلام، امامت در فرزندان او ادامه می یابد. (یازده امامی که همه از نسل علی علیه السلام هستند و فرزندان دختر تو می باشند). آنان یک به یک تا روز قیامت، امام خواهند بود. وای به حال کسانی که از امامان معصوم پیروی نکنند، چنین کسانی به عذاب خدا گرفتار می شوند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! هَذَا عَلِيٌّ أَنْصَرَكُمْ لِي، وَأَحَقُّكُمْ بِي، وَأَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ، وَأَعَزُّكُمْ عَلَيَّ، وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَأَنَا عَنْهُ رَاضٍ بِيَانٍ. وَمَا نَزَلَتْ آيَةٌ رَضِيَ إِلَّا فِيهِ، وَمَا خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بَدَأَ بِهِ، وَلَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدَحٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَلَا شَهِدَ اللَّهُ بِالْجَنَّةِ، فِي "هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ إِلَّا لَهُ، وَ لَا أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ، وَلَا مَدَحَ بِهَا غَيْرُهُ.

علی علیه السلام همواره یار و یاور تو بوده است، هیچ کس غیر از او شایستگی آن را ندارد که جانشین تو باشد، او از همه به تو نزدیک تر است. هیچ کس به اندازه او برای تو عزیز نیست.

خدا و تو از علی علیه السلام راضی هستید، وقتی قرآن می خوانیم و به آیه هایی می رسیم که خدا می گوید: «من از مومنی راضی هستم»، باید بدانیم که آن آیه درباره

علی علیه السلام نازل شده است.

در هر جای قرآن که خدا درباره مؤمنان و مقام آنان سخن می گوید، آن آیه درباره علی علیه السلام هم هست، زیرا علی علیه السلام، امیر مومنان است. هر آیه ای که خدا در آن، از گروهی به نیکی یاد می کند، آن آیه درباره علی علیه السلام هم هست.

خدا سوره «هَلْ أَتَى» را در حقّ علی علیه السلام نازل کرد و در آن سوره خدا گواهی داد که علی علیه السلام از اهل بهشت است. آری، خدا در آن سوره از خوبی های علی علیه السلام سخن گفت و او را ستود.

\*\*\*

آقای من! در اینجا از سوره «هَلْ أَتَى» یاد کردی که آن را به نام «سوره انسان» هم می شناسند، چه رمز و رازی در این سوره است؟ ماجرای این سوره چیست؟ سال ها پیش، یک بار حسن و حسین علیهما السلام مریض شدند، علی و فاطمه علیهما السلام نذر کردند که اگر آنان شفا بگیرند، سه روز روزه بگیرند. خدا حسن و حسین علیهما السلام را شفا داد و زمان ادای آن نذر فرا رسید، روز اول را این خانواده روزه گرفتند.

وقت افطار شد، فقیری به در خانه آمد، آنان غذای خود را به او دادند و همگی بر گرسنگی صبر کردند و روز دوم را هم روزه گرفتند. غروب روز دوم، کنار سفره افطار نشسته بودند که یتیمی در خانه را زد و تقاضای غذا کرد، آنان غذا را به او دادند و با گرسنگی، آن شب را سحر کردند. روز سوم را هم روزه گرفتند در حالی که مدّت ها بود چیزی نخورده بودند، غروب روز سوم، اسیری به در خانه آمد، آنان غذای خود را به آن اسیر دادند. اینجا بود که خدا این سوره را نازل کرد.

این سوره درباره علی علیه السلام و اهل خانه اوست، در این سوره چنین می خوانیم: «اهل بهشت کسانی هستند که به نذر خود وفا می کنند و از روز قیامت در هراس هستند



و غذای خود را به فقیر و یتیم و اسیر می دهند در حالی که خودشان به آن نیازمند هستند، آنان این کار را به خاطر خدا انجام می دهند و هرگز انتظار پاداش و سپاس را از دیگران ندارند... و خدا هم به آنان بهشت خویش را ارزانی می دارد...».

مَعَاشِرَ النَّاسِ! هُوَ نَاصِرُ دِينِ اللَّهِ، وَ الْمُجَادِلُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ، وَ هُوَ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ. نَبِيُّكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ، وَ وَصِيُّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ، وَ بَنُوهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ. مَعَاشِرَ النَّاسِ! ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ، وَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ.

علی یاور دین خداست. او از تو دفاع می کند، او از هر گناهی به دور است و دیگران را به سوی حق هدایت می کند، او از طرف خدا هدایت شده است. مردم باید بدانند که تو بهترین پیامبران هستی و جانشین تو، بهترین جانشینان است. فرزندان علی علیه السلام، بهترین اوصیاء هستند.

خاندان هر پیامبری از نسل خودش بوده اند، اما خاندان تو از نسل علی علیه السلام می باشند، حسن و حسین علیهما السلام که اکنون در این اجتماع بزرگ روز غدیر حاضرند، فرزندان دختر تو و پسران علی علیه السلام می باشند. حسن و حسین علیهما السلام (و نه امامی که از نسل حسین علیه السلام هستند) فرزندان تو هستند. خدا آنان را برگزیده است و به آنان مقام امامت را عطا کرده است.



مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ إِبْلِيسَ، أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ، فَلَا تَحْسَبْ دُوهُ، فَتَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ، وَ تَزَلَّ أَقْدَامُكُمْ. فَإِنَّ آدَمَ، أُهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ لِخَطِيئِهِ وَاحِدَهُ، وَ هُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَ كَيْفَ بِكُمْ وَ أَنْتُمْ أَنْتُمْ.

اکنون از ماجرای آدم علیه السلام و حسادتی که شیطان به او ورزید سخن می‌گوییم، وقتی شیطان دید آدم علیه السلام در بهشت در کمال آسایش است، به او حسد ورزید و کاری کرد که او از بهشت رانده شد، آری، حسادت شیطان باعث شد که او با آدم علیه السلام دشمنی کند. اگر این حسد نبود شیطان از درگاه خدا رانده نمی‌شد.

تو اکنون به همه هشدار می‌دهی تا مبادا به علی علیه السلام حسادت بورزند، زیرا این حسادت باعث می‌شود همه کارهای خوب آنان از بین برود و از راه راست منحرف شوند.

آدم علیه السلام فریب وسوسه شیطان را خورد و خدا او را از بهشت خارج کرد، او برگزیده خدا بود ولی خدا این گونه با او رفتار کرد، زیرا او به سخن شیطان گوش فرا داد، اگر دیگران خطا کنند، چه خواهد شد؟ اگر کسی امروز به وسوسه شیطان گوش دهد و

با علی علیه السلام دشمنی کند، خدا با او چگونه رفتار خواهد کرد؟ وَ مِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ؟ إِنَّهُ لَا يُبْغِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِيًّا، وَلَا يَتَوَالَى عَلِيًّا إِلَّا تَقِيًّا، وَلَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ تو می دانی که عده ای با علی علیه السلام دشمن هستند و به او حسادت می ورزند و می خواهند آتش فتنه بزرگی برافروزند، برای همین برای مردم می گویی که هر کس کینه علی علیه السلام را به دل دارد، راه بدبختی را می پیماید و هر کس از علی علیه السلام پیروی کند و او را دوست بدارد، از پرهیزکاران است و به رستگاری می رسد.

به راستی چه کسانی راه علی علیه السلام را می پیمایند؟ چه کسانی به ولایت او ایمان می آورند؟ خود تو جواب این سوال را این چنین می دهی: «فقط مومنی که به مرحله اخلاص رسیده است به ولایت علی علیه السلام ایمان می آورد»، کسی که فقط به خاطر خدا، ایمان آورده است، به راحتی ولایت علی علیه السلام را قبول می کند، اما کسی که دین را ابزاری برای رسیدن به ثروت، پُست و مقام می داند، اخلاص ندارد، او سرانجام ولایت دیگران را بر ولایت علی علیه السلام برتری می دهد و راه شیطان را انتخاب می کند.

و فِي عَلِيٍّ وَاللَّهِ نَزَلَتْ سُورَةُ وَالْعَصْرِ:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَّصَّوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَّصَّوْا بِالصَّبْرِ.» اکنون از سوره «عصر» سخن می گویی و به همه اعلام می کنی که این سوره درباره علی علیه السلام منزل شده است. قرآن در این سوره چنین می گوید: «به نام خداوند بخشنده و مهربان! سوگند به روزگاری که سپری می شود انسان ها در خسران

می باشند، مگر کسانی که ایمان بیاورند و عمل نیک انجام دهند و یکدیگر را به طرفداری از حق سفارش کنند و یکدیگر را به صبر فراخوانند».

آری، کسانی که به ولایت علی علیه السلام ایمان آورند و عمل نیک انجام دهند و به حق و صبر سفارش کنند از خسران نجات پیدا کرده اند، اما کسانی که راه علی علیه السلام را نپیمایند در خسران دائمی هستند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! قَدْ اسْتَشْهَدْتُ اللَّهَ - وَ بَلَّغْتُكُمْ رَسُولِي، وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ! «اتَّقُوا اللَّهَ - حَقَّ تَقَاتِهِ، وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ».

بار دیگر خدا را شاهد می گیری که رسالتی را که به دوش داشتی انجام دادی و پیام او را بازگو کردی. وظیفه تو فقط این است که حق را آشکار و روشن سازی، خدا از تو نخواست است به زور مردم را با ایمان کنی.

از همه می خواهی تا تقوای حقیقی پیشه کنند و به راستی پرهیزکار باشند. این برنامه چگونه زیستن است، زندگی با تقوا، اما تو چگونه مردن را هم به ما می آموزی تا به فکر عاقبت به خیری خود هم باشیم، مثل یک مسلمان زندگی کنیم و مثل یک مسلمان بمیریم، مسلمان واقعی کسی است که تسلیم فرمان خدا و فرمان توست.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! «آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ، وَ النَّورَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ»، «مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وَجُوهًا فَتَرَدَّهَا عَلَى أَذْبَارِهَا». مَعَاشِرَ النَّاسِ! النَّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فِي مَسْ لُوكٍ، ثُمَّ فِي عَلِيٍّ، ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ، الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ، وَ بِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا، لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، قَدْ جَعَلَنَا حُجَّةً عَلَى الْمُقْصِرِينَ وَ الْمُعَانِدِينَ وَ الْمُخَالِفِينَ وَ الْخَائِنِينَ وَ الْأَثِمِينَ وَ الظَّالِمِينَ،

اکنون برای مردم آیه 157 سوره اعراف را می خوانی، قرآن در این آیه چنین می گوید: «ای مردم! به خدا و رسول خدا و نوری که به همراه او نازل شده است، ایمان بیاورید». بعد از آن هشدار می دهی که هر کس به خدا و تو و نوری که با تو نازل شده است ایمان نیاورد در روز قیامت به عذاب گرفتار خواهد شد، در آن روز، فرشتگان، چهره کافران را تغییر می دهند، این نشانه ای برای آنان است.

همه می خواهند بدانند ماجرای آن نور چیست که با تو نازل شده است. اینجاست که سخن خود را چنین ادامه می دهی: «ای مردم! خدا نور خودش را همراه من نازل کرد، بعد از من، این نور همراه علی علیه السلام خواهد بود و پس از علی در یکایک امامان قرار می گیرد تا آنجا که به آخرین جانشین من که قائم است، می رسد. بدانید که قائم ما، مهدی علیه السلام نام دارد. او همان کسی است که حقّ خدا و حقّ ما اهل بیت را از دشمنان می ستاند. ما حجّت خدا بر همه هستیم».

آری، این سخن نشان می دهد که خدا هرگز انسان ها را بدون امام رها نمی کند. این راه ادامه دارد.

تو از مهدی علیه السلام نام بردی، همان که آخرین امام است، او نور خدا در روی زمین است، تو از همه می خواهی که به مهدویت ایمان بیاورند. تو به همه خبر می دهی که سرانجام او می آید و به ظلم و ستم ها پایان می بخشد. تو این گونه امید را در جامعه بارور می سازی.

بذر امیدی را که تو امروز در دل ها کاشتی، درخت تنومندی می شود. باور به مهدویت، نجات بخش جامعه از ناامیدی هاست.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! أَنْذِرْكُمْ، أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ، قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ، أَفَأَنْ مِتُّ

أَوْ قُتِلْتُ، انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ؟ «وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ.» أَلَا وَإِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ  
وَ الشُّكْرِ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ.

تو فرستاده خدا بودی و آمده بودی تا پیام خدا را به ما برسانی، قبل از تو هم پیامبران زیادی بوده اند و اکنون همه آنان از این دنیا رفته اند، تو هم به زودی از میان ما می روی، اکنون چنین می گویی: «ای مردم! اگر من از میان شما بروم، آیا به دوران جاهلیت باز می گردید؟ اگر از اسلام دست بردارید به خدا هیچ ضرری نمی رسد، این خود شما هستید که ضرر می کنید و از سعادت دور می شوید. خدا به کسانی که شکر نعمت او را به جا آورند پاداش نیکو می دهد، شکرگزار این نعمت ایمان باشید و کفران نعمت نکنید.»

آری، ما باید در سختی ها صبر پیشه سازیم و شکر نعمت اسلام را به جا آوریم، باید از علی علیه السلام و امامان بعد از او پیروی کنیم که خدا «صبر بر سختی ها» و «شکر بر نعمت ها» را به آنان ارزانی داشته است و ما هم باید همانند آنان باشیم.

ص: 49





مَعَاشِرَ النَّاسِ! لَا تَمُنُّوا عَلَى اللَّهِ إِسْلَامَكُمْ، فَيَسْخَطَ عَلَيْكُمْ، فَيُصِيبِكُمْ بَعْدَابٍ مِنْ عِنْدِهِ، إِنَّهُ لِبِالْمِرْصَادِ.

تو می دانی که منافقانی که در میان مردم به عنوان مسلمان جا باز کرده اند می خواهند مردم را با سخنان خود فریب بدهند، آنان می خواهند به مردم چنین بگویند: «ما بودیم که زودتر از دیگران مسلمان شدیم و رنج زیادی برای پیروزی اسلام کشیدیم... پس ما نیز شایستگی این را داریم که جانشین پیامبر بشویم»، آنان با این سخنان در واقع می خواهند بر خدا منت بنهند!! تو فرصت را غنیمت می شماری و مطلب مهمی را بیان می کنی: «ای مردم! هیچ کس نباید به خاطر مسلمانی اش بر خدا منت بگذارد، این خداست که بر شما منت نهاده است و راه هدایت را برای شما آشکار کرده است و شما را از تاریکی ها نجات داده است. هر کس بر خدا منت بگذارد، به غضب خدا گرفتار می گردد و خدا در کمین آنان است تا به خاطر این گناه آنان را عذاب کند».

آری، اکنون مردم می دانند کسی که بخواهد در مقابل تلاش هایش بر خدا منت بگذارد به خشم خدا گرفتار می شود، تو با این سخن، نقشه آن منافقان را نقش بر آب کردی! مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ، وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ. مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ اللَّهَ وَأَنَا بَرِيئَانِ مِنْهُمْ. مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ وَأَشْيَاعَهُمْ، فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ، وَ لَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ.

خدا بر همه چیز آگاه است و از رفتار و کردار بندگانش خبر دارد، خدا به تو خبر داده است که وقتی از میان ما بروی، فتنه ها شعله ور می شود و کسانی می آیند و خود را به عنوان «امام» معرفی می کنند در حالی که خدا آنان را امام قرار نداده است! آنان مردم را فریب می دهند و به مردم می گویند ما شما را به سوی بهشت می بریم، اما آنان دروغ می گویند، آنان مردم را به سمت جهنم می برند، باید بدانم اگر از آنان اطاعت کنم جایگاهم آتش جهنم خواهد بود و کسی هم به فریادم نخواهد رسید و مرا نجات نخواهد داد.

خدا از کسانی که ادعای امامت می کنند، بیزار است، تو نیز از آن ها بیزار می باشی! جایگاه آنان، سخت ترین درجه جهنم است و در آتش جاودان خواهند سوخت.

تو از این فتنه ها پرده برمی داری، به مردم هشدار می دهی تا مبادا از این امامان دروغین پیروی کنند، هر کس امام دروغگویی را یاری کند و یا از او پیروی نماید در آتش جهنم به همراه او خواهد سوخت و به راستی که آنان چه جایگاه سختی در جهنم دارند!

أَلَا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ فِي صَحِيفَتِهِ، قَالَ: فَذَهَبَ عَلَى النَّاسِ، إِلَّا شِرْذِمَةً مِنْهُمْ أَمْرُ الصَّحِيفَةِ.

تواز فتنه ها خبر داری، می دانی که عده ای از همین کسانی که در صف اول نماز حاضر می شوند دور هم جمع شده اند و مخفیانه، پیمان نامه ای نوشته اند.

به راستی چه کسانی بعد از تو، ادعای امامت خواهند کرد و مردم را به سوی جهنم خواهند برد؟ همان کسانی که آن پیمان نامه را نوشتند. همان کسانی که «اصحاب صحیفه» می باشند. (در زبان عربی به پیمان نامه، «صحیفه» می گویند).

چنین می گویی: «ببینید نام کدام یک از شما در آن پیمان نامه است!».

وقتی این سخن را گفتم خیلی ها متوجه نشدند که منظور تو چیست، زیرا آن پیمان نامه، رازی مخفی میان دوازده نفر بود، اما آن منافقانی که آن پیمان نامه را امضا کرده بودند می دانستند که تو از چه سخن می گویی! \*\*\*

در اینجا می خواهم از «اصحاب صحیفه» بیشتر بنویسم:

وای بر این اصحاب صحیفه که این مردم را به سوی گمراهی می برند! امروز روز غدیر است، هجدهم ماه «ذی الحجّه». چند روز قبل، دوازده نفر از منافقان در داخل کعبه دور هم جمع شدند. عرب ها رسمی داشتند که پیمان های مهم خود را می نوشتند و آن را در کعبه قرار می دادند. منافقان برای این که مطمئن باشند که همه به این پیمان عمل می کنند، در داخل کعبه این گونه پیمان بستند، سپس پیمان نامه خود را در گوشه ای از کعبه زیر خاک مخفی کردند.

پیمان آنان این بود که هر وقت تو از دنیا رفتی، فرصت را غنیمت بشمارند و

همه با هم متحد باشند و فتنه ای بزرگ بر پا کنند. آری، آن دو نفری که بعد از توبه حکومت رسیدند، در جمع همین افراد بودند.

آنان با هم پیمان بستند تا بعد از تو، «آن دو نفر» حکومت را در دست بگیرند و حقّ علی علیه السلام را غصب کنند و مظلومیت او را رقم بزنند...

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنِّي أَدْعُهُمْ إِلَى إِمَامَةٍ وَوِرَاثَةٍ فِي عَقِبِي، إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. وَقَدْ بَلَغْتُ مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِهِ، حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ، وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ، مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ، وُلِدَ أَوْ لَمْ يُولَدْ، فَلْيَبْلُغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ، وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ، إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

اکنون تو برای همه می گویی که «امامت»، عهدی آسمانی است. این امت، دوازده امام دارد، علی علیه السلام اولین آنها است و یازده امام دیگر همه فرزندان علی علیه السلام و همچنین از نسل تو می باشند (آنان فرزندان دختر تو هستند)، تو امامت را هم چون میراثی گران بها در نسل خود، به امانت می گذاری.

تو همه آنچه را که باید می گفتی، بیان کردی، و حجت را بر همه تمام کردی، سخن تو فقط برای این جمع حاضر نیست، روی سخن تو با همه مسلمانان در طول تاریخ است، چه نسل امروز و چه نسل های آینده! همه انسان های تاریخ، مخاطب کلام تو می باشند.

کسانی که امروز در این جمع حاضرند وظیفه ای مهم دارند، آنان باید پیام امروز تو را به کسانی که در اینجا حاضر نبودند برسانند. آری، بر همه پدران لازم است که نسل به نسل، تا روز قیامت، فرزندانشان را از این سخنان تو آگاه کنند.

\*\*\*

تو از همه خواستی که پیام تو را به دیگران برسانند. به راستی من کجا ایستاده‌ام؟ چقدر به این سخن تو عمل کرده‌ام؟ آیا پیام رسان غدیر بوده‌ام؟ آقای من! مرا ببخش اگر کوتاهی کردم! خودت می‌دانی که کوتاهی من از روی غفلت بود، مرا ببخش! من با تو عهد می‌بندم که گذشته را جبران کنم و تا آنجا که توان دارم پیام رسان غدیر باشم! خودت می‌دانی که چقدر دوست دارم گذشته‌ام را جبران کنم.

وَسَدَّيْجَعُلُونَهَا مَلَكًا وَاعْتَصَابًا، أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ الْعَاصِينَ وَالْمُعْتَصِبِينَ، وَعِنْدَهَا سَدٌّ نَفْرُغٌ لَكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ، فَيُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوْاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ، فَلَا تَنْتَصِرَانِ.

اکنون به مردم هشدار می‌دهی که بعد از رفتن تو، عده‌ای این مقام امامت را غصب می‌کنند و آن را به تاج و تخت پادشاهی تبدیل می‌کنند! آنان ادعا می‌کنند امام هستند در حالی که دروغ می‌گویند، خدا آنان را لعنت می‌کند، هر کس که آنان را یاری نماید خدا او را هم لعنت می‌کند.

تو خبر می‌دهی که وقتی عده‌ای به دروغ ادعای امامت بکنند، بلاها، مصیبت‌ها و گرفتاری‌ها بر این امت از آسمان نازل می‌شود.

کسانی که امام دروغین می‌شوند همراه با پیروان خود، به عذاب سختی گرفتار می‌شوند، شعله آتش در انتظار آنان است، هر کس امام دروغگویی را یاری کند به چنین سرنوشتی گرفتار می‌شود، وقتی او در جهنم گرفتار شد هیچ کس او را یاری نمی‌کند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ، لَمْ يَكُنْ يَذَرُكُمْ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ، حَتَّى يَمِيزَ

الْحَيِّثَ مِنَ الطَّيِّبِ، وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ.

آقای من! سوالی ذهن مرا درگیر کرده است، به من اجازه بده سوالم را بپرسم: تو از فتنه ها سخن گفتی، از کسانی که می خواهند حقّ علی علیه السلام را غصب کنند و امام دروغین بشوند، خدا که قدرت بر انجام هر کاری دارد، پس چرا دشمنان علی علیه السلام را نابود نمی کند؟ چرا منافقان را از بین نمی برد؟ جواب تو چند جمله بیشتر نیست: «خدا انسان ها را به حال خود رها نمی کند، او با امتحان و آزمایش، خوبان را از گناهکاران جدا می کند، و شما را به اسرار خود آگاه نمی کند».

وقتی این سخن تو را می شنوم می فهمم که همه کارهای خدا از روی حکمت است. او قدرت دارد که دشمنان علی علیه السلام را نابود کند، اما حکمت خدا چیز دیگری است. خدا انسان را مختار آفرید و به او اختیار داد تا خودش راهش را انتخاب کند، عظمت انسان در همین انتخاب کردن اوست. خدا دوست ندارد که انسان ها به زور و اجبار، راه حقّ را بروند.

این قانون خداست، انسان باید خودش، راه را برگزیند، آری، خدا زمینه هدایت را فراهم می کند، این انسان است که باید انتخاب کند. حکمت خدا این را می گوید. خدا می خواهد خوبان از گناهکاران جدا شوند، پس باید زمینه امتحان فراهم باشد، اگر خدا همه منافقان را نابود کند، پس مردمی که ادّعیای ایمان می کنند چگونه امتحان بدهند؟ امروز خیلی ها ادّعیای ایمان می کنند، اما وقت امتحان معلوم می شود که چند نفر واقعاً مومن اند. آری، نباید زمینه امتحان را از بین برد! باید امتحان پیش بیاید تا منافقان از صف مومنان خارج شوند، بهشت زیبا جای آن

ص: 56

منافقان نیست، منافقان باید حقیقت خود را آشکار سازند و بر همگان معلوم شود که آنان پیرو شیطانند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُ مَا مِنْ قَرِيهِ إِلَّا وَاللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا، وَكَذَلِكَ يُهْلِكُ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ، كَمَا ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَىٰ، وَهَذَا عَلَيَّ إِمَامُكُمْ وَوَلِيُّكُمْ، وَهُوَ مَوَاعِيدُ اللَّهِ، وَاللَّهُ يَصِدُّ مَا وَعَدَهُ، مَعَاشِرَ النَّاسِ! قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ، وَاللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ، وَهُوَ مُهْلِكُ الْأَخْرِينَ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَىٰ: «أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ؟ ثُمَّ نَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ، كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ، وَيَلْ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ.» اکنون برای مردم می گویی: «هر قومی که آیات خدا را دروغ بشمارد یا ستمکاری پیشه کند، خدا آن قوم را به هلاکت می رساند. این علی، امام و مولای شماست.

اگر قومی بر او ظلم کند، خدا آن قوم را هلاک می کند، این وعده خداست و خدا از وعده اش تخلف نمی کند».

آری، بیشتر اقوامی که قبل از این روی زمین زندگی می کردند، راه گمراهی را برگزیدند و خدا هم آنان را هلاک نمود، کسانی که بعد از این می آیند و راه گمراهی را برمی گزینند، به همان سرنوشت دچار خواهند شد.

قرآن در آغاز سوره «مرسلات» در این باره می گوید که خدا نخستین کافران را نابود کرد، وقتی قوم نوح علیه السلام بر کفر خود اصرار ورزیدند خدا طوفانی فرستاد و همه کسانی که نوح علیه السلام را دروغگو می پنداشتند، غرق شدند، بعد از آنان، کافران دیگر نابود شدند (قوم عاد، قوم ثمود، قوم لوط). خدا گناهکاران را کیفر می دهد و آنان را به عذاب سخت گرفتار می سازد، وای بر حال آنان در روز قیامت!

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَنَهَانِي، وَقَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَنَهَيْتُهُ، فَعَلِمَ الْأَمْرَ وَالنَّهْيَ، مِنْ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ. فَاسْعَوْا لِأَمْرِهِ تَسْلَمُوا، وَأَطِيعُوهُ تَهْتَدُوا، وَانْتَهُوا لِنَهْيِهِ تَرْشُدُوا، وَصِيرُوا إِلَى مُرَادِهِ، وَلَا تَتَفَرَّقَ بِكُمْ السُّبُلُ عَنْ سَبِيلِهِ.

آنچه که برای هدایت و نجات ما لازم است خدا به تو گفته است و تو همه آن ها را به علی علیه السلام گفته ای، این علی علیه السلام است که از دستورات خدا آگاهی دارد، اکنون از ما می خواهی تا به سخن او گوش دهیم تا از گمراهی ها در امان بمانیم، اگر ما از او پیروی کنیم هدایت می شویم. ما باید هر چه را که او از ما می خواهد انجام دهیم، باید به هوش باشیم، نباید بگذاریم که فتنه ها و بیراهه ها، ما را از راه علی علیه السلام دور کند. به راستی که راه علی علیه السلام راه رستگاری است.

ص: 58



مَعَاشِرَ النَّاسِ! أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ، الَّذِي أَمَرَكُم بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلَيَّ مِنْ بَعْدِي، ثُمَّ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ، أَيْمَةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ، وَبِهِ يَعْدِلُونَ.

هر مسلمان در نماز سوره حمد را می خواند و هر روز ده بار از خدا می خواهد که او را به راه مستقیم هدایت کند، اکنون می خواهی درباره راه مستقیم سخن بگویی، پس رو به مردم می کنی و می گویی: «ای مردم! من راه مستقیم خدا هستم؛ همان راهی که خدا دستور داده است فقط آن را بپیمایید، پس از من، علی علیه السلام راه مستقیم خداست، پس از او، فرزندان من که از نسل اویند راه مستقیم خدایند. آنان امامانی هستند که شما را به سوی حق راهنمایی می کنند و از گمراهی نجات می دهند».

\* ثُمَّ قَرَأَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ، إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ، اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ.» وَقَالَ: فِيَّ نَزَلَتْ، وَفِيهِمْ نَزَلَتْ، وَلَهُمْ عَمَّتْ، وَإِيَّاهُمْ خَصَّتْ،

أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ، لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ. أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَ عَلِيِّ هُمُ أَهْلُ الشَّقَاقِ وَالتَّفَاقِ، وَ الْحَادُّونَ وَ هُمُ الْعَادُّونَ، وَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ، الَّذِينَ يُوحَى بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ، زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا.

تو سوره حمد را می خوانی: «به نام خداوند بخشنده مهربان! خدا را مدح و ستایش می کنم که او پروردگار جهانیان است. او بخشنده و مهربان است. صاحب روز قیامت است. خدایا! فقط تو را می پرستیم و فقط از تو یاری می خواهیم. خدایا! ما را به راه مستقیم هدایت فرما، راه کسانی که به آنان نعمت داده ای، ما را از راه کسانی بر آنان خشم گرفته ای و از راه گمراهان دور کن!».

اکنون که همه سوره حمد را شنیدند، چنین می گویی: «ای مردم! سوره حمد، درباره من و امامان پس از من نازل شده است و شامل حال آنان می شود و به آنان اختصاص دارد. امامانی که بعد از من می آیند همان دوستان خدا هستند که هرگز در راه خدا از چیزی نمی ترسند و اندوهگین نمی شوند. آگاه باشید که آنان حِزبِ خدایند و همیشه پیروزند. بدانید که دشمنان علی علیه السلامی خردانی هستند که گمراهند، دشمنان علی علیه السلام برادران شیطان اند و برای گمراهی، سخنانی زیبا و فریبنده به یکدیگر می گویند».

أَلَا- إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمْ، الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، يُؤَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ، أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ، وَآيَدَهُمْ بَرُوحٍ مِنْهُ، وَيَدْخُلُهُمْ جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ، خَالِدِينَ فِيهَا، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ، أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ، أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ

الْمُفْلِحُونَ.» فرصت را غنیمت می‌شماری، تو می‌خواهی چند آیه ای که درباره شیعیان علی علیه السلام را بخوانی. ابتدا آیه 22 سوره مجادله را می‌خوانی، پیام این آیه این است: در یک دل، دو محبت نمی‌گنجد! من باید یکی را انتخاب کنم: یا محبت خدا یا محبت شیطان! یا محبت دوستان خدا یا محبت دوستان شیطان! مؤمنان با دشمنان خدا و دشمنان پیامبر، دوستی نمی‌کنند هرچند آن دشمنان، پدران، پسران، برادران یا اقوام آنان باشند، خدا ایمان را در دل‌های آنان قرار داده است، و آنان را از جانب خود یاری کرده است و در روز قیامت به آنان پاداش بزرگی می‌دهد و آنان را به بهشتی وارد می‌کند که از زیر درختان آن، نهرهای آب جاری است. خدا از آنان خوشنود است و آنان نیز از خدا خوشنودند. آنان از حزب خدا می‌باشند و به راستی که حزب خدا، رستگار و سعادت‌مند است.

\*\*\*

آقای من! ممنون تو هستم که این آیه را برای ما خواندی تا ما راه را گم نکنیم.

من از این آیه درس مهمی گرفتم، نمی‌شود من ادعا کنم که علی علیه السلام را دوست دارم ولی دشمنان او را هم دوست ندارم! من برای زندگی در این دنیا دو راه بیشتر ندارم، یا باید به حزب خدا بپیوندم یا به حزب شیطان. وقتی من از دشمنان آل محمد علیهم السلام بیزار می‌جویم، از شیطان و حزب او و دوستانش بیزار شده‌ام.

این آیه از تولی و تبری سخن می‌گوید، تولی یعنی با دوستان خدا دوست بودن! تبری یعنی با دشمنان خدا دشمن بودن! آری، وقتی تولی و تبری در کنار هم باشند، گوهر ایمان شکل می‌گیرد و آن وقت

است که انسان از ایمان واقعی بهره مند شده است و جای امیدواری است که او از سرگردانی‌ها نجات یابد و به ساحل امن سعادت برسد.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمْ، الَّذِينَ وَصَّ فَهُمْ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، فَقَالَ: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ، أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ، وَهُمْ مُهْتَدُونَ.» أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمْ، الَّذِينَ وَصَّ فَهُمْ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَقَالَ: «الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ آمِنِينَ، تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ بِالتَّسْلِيمِ، أَنْ طَبَّتُمْ، فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ.» أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمْ، الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ، يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ.» برای ما آیه 82 سوره انعام را می‌خوانی تا ما بدانیم که این آیه درباره دوستان علی علیه السلام است، خدا درباره مومنان چنین می‌گوید: «آنان کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و ایمانشان را به ظلم و ستم آلوده نکرده‌اند، آنان در روز قیامت از عذاب در امان هستند و سعادت‌مند خواهند بود.»

سپس آیه 73 سوره زمر را می‌خوانی تا بدانیم این آیه هم درباره دوستان علی علیه السلام است: «آنان کسانی هستند که با آرامش و آسایش، وارد بهشت می‌شوند.

فرشتگان به استقبال آن‌ها می‌آیند و به آنان می‌گویند: «خوش آمدید، وارد بهشت شوید و برای همیشه در آن بمانید.»

سپس آیه 40 سوره غافر را می‌خوانی: «بهشت برای دوستان علی علیه السلام آماده گشته است و آنان در آنجا بی‌حد و اندازه روزی می‌یابند.»

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمْ، يَصِلُونَ سَعِيرًا، أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمْ، الَّذِينَ يَسْمَعُونَ لِحَبَّتِهِمْ شَهيقًا، وَهِيَ تَقُورٌ، وَ لَهَا زَفِيرٌ.

اگر یاران علی علیه السلام، دوستان خدایند، پس دشمنان او، دشمنان خدایند، تو از سرانجام زیبای دوستان علی علیه السلام سخن گفتی، اکنون از سرنوشت سیاه دشمنان او

سخن می‌گویی: «ای مردم! بدانید کسانی که با علی علیه السلام دشمنی کنند در روز قیامت به سمت آتش جهنم کشیده خواهند شد، آتشی که می‌جوشد و می‌خروشد. آنان صدای ترسناک و دلخراش جهنم را می‌شنوند و ترس همه وجودشان را فرا می‌گیرد».

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمْ، الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِيهِمْ: «كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتُ أُخْتِهَا، حَتَّىٰ إِذَا آذَرَكُوا فِيهَا جَمِيعًا، قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأَوْلَاهُمْ، رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا، فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ، قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٌ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ.»، أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمْ، الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «كُلَّمَا أَلْقَىٰ فِيهَا فَوْجٌ، سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا، أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ؟ قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ، فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ، إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مَبِينٍ.» اکنون آیه 38 سوره اعراف را می‌خوانی تا همه بدانند این آیه درباره دشمنان علی علیه السلام است: وقتی آنان وارد آتش جهنم می‌شوند، هر گروه، گروه دیگر را لعنت می‌کند تا زمانی که همه با ذلت در دوزخ جای می‌گیرند، کسانی که از رهبران باطل پیروی کردند چنین می‌گویند: «بارخدا! این‌ها بودند که ما را به گمراهی کشاندند، از تو می‌خواهیم که عذاب آنان را دو برابر کنی». خدا هم در جواب به آنان می‌گوید: «عذاب هر کدام از شما، دو برابر است ولی شما اندازه و سختی عذاب دیگران را نمی‌دانید».

سپس آیات 8 تا 11 سوره ملک را می‌خوانی، این آیات نیز درباره دشمنان علی علیه السلام است: هر گروه از آنان که در جهنم قرار می‌گیرند، مأموران جهنم به آنان رو می‌کنند و می‌گویند: «چرا شما به این روز سیاه، افتادید؟ آیا شما راهنما نداشتید؟ آیا کسی نبود که شما را از جهنم بترساند؟»، آنان در جواب می‌گویند:

«بله. ما راهنما داشتیم، پیامبر از طرف خدا آمد و ما را از این عذاب ترساند، ولی ما سخن او را نپذیرفتیم و او را دروغگو خواندیم»، آری، دشمنان علی علیه السلام در روز قیامت اعتراف می کنند که حق را شناخته بودند ولی از آن پیروی نکردند، آنان به انتخاب خود، راه شیطان را برگزیدند.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمْ، «الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ، لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ»، مَعَاشِرَ النَّاسِ! شَتَّانَ مَا بَيْنَ السَّعِيرِ وَالْجَنَّةِ. عَدُوْنَا مَنْ ذَمَّهُ اللَّهُ، وَ لَعْنَهُ، وَ وَلِيْنَا مَنْ مَدَحَهُ اللَّهُ، وَ أَحَبَّهُ.

بار دیگر می خواهی از دوستان علی علیه السلام سخن بگویی، آیه 12 سوره مُلک را می خوانی، آنجا که خدا درباره سرنوشت کسانی که ایمان آوردند و از او بیم داشتند، سخن می گوید، همان کسانی که خدا را به چشم ندیدند ولی به او باور داشتند و به پیام های او گوش فرا دادند، تو از خطای آنان می گذری و پاداشی بزرگ به آنان می دهی، بهشتی که زیر درختان آن، نهرهای آب جاری است، جایگاه آنان است.

\*\*\*

بین بهشت زیبای خدا و آتش سوزان جهنم، تفاوت زیادی است. دشمنان علی علیه السلام کسانی هستند که خدا از آنان به بدی یاد نموده و آن ها را لعنت می کند و دوستان علی علیه السلام کسانی هستند که خدا از آنان به نیکی یاد کرده و آن ها را دوست می دارد.

به راستی که تفاوت راه از کجا تا به کجاست! تو همه را به بهشت جاودان فرا می خوانی تا در سایه نعمت های خدا به آرامش همیشگی دست پیدا کنند. راه رسیدن به بهشت، پیروی از علی علیه السلام و فرزندان اوست.

## فصل نهم: آخرین موعود

مَعَاشِرَ النَّاسِ! أَلَا وَإِنِّي مُنذِرٌ، وَعَلَيْتُ هَادٍ. مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنِّي نَبِيٌّ وَعَلَيْتُ وَصِيٌّ.

اکنون به آیه 7 سوره رعد اشاره می‌کنی، در آنجا خدا از تو می‌خواهد که پیام او را به مردم برسانی و آنان را از عذاب روز قیامت بترسانی، تو وظیفه نداری که همه را به اجبار مؤمن کنی، وظیفه تو تنها رساندن پیام خداست و بس! فقط تو نیستی که این وظیفه را داری، خدا در همه زمان‌ها برای هر قومی، راهنمایی قرار داده است».

منظور از «راهنما» در این آیه، علی علیه السلام است، تو پیامبر خدایی و علی علیه السلام جانشین تو و راهنمای این امت است.

أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيْمَةِ مِنَّا، الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ. أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ. أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ. أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ وَهَادِمُهَا. أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنَ أَهْلِ الشُّرْكِ. أَلَا إِنَّهُ مُدْرِكُ بِكُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ.

سخن خویش را این چنین ادامه می‌دهی: «ای مردم! بدانید که مهدی علیه السلام آخرین

امام است. او از ماست. او قیام خواهد کرد. او بر همه دین ها پیروز می شود، او از ستمگران انتقام می گیرد، او قلعه های کفر و ستم را فتح می کند و آن ها را در هم می کوبد، او گروه های مشرکان را نابود می کند، او می آید و انتقام خون دوستان خدا را می گیرد».

أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ . أَلَا إِنَّهُ الْعَرَّافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ . أَلَا إِنَّهُ يَسْمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ ، وَكُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ . أَلَا إِنَّهُ خَيْرُهُ اللَّهُ وَ مُخْتَارُهُ . أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ الْمُحِيطُ بِهِ . أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، وَ الْمُنْبَهُ بِأَمْرِ إِيْمَانِهِ . أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّيِّدُ . أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ .

«بدانید مهدی علیه السلام یاور دین خداست. او از دریای بی انتهای دانش، بهره دارد و به هر کس به اندازه ی فضیلت و کمالش مقام می دهد. خدا او را انتخاب کرده و برگزیده است. او همه دانش ها را به ارث برده است، او گزارش گر فرمان های خداست و دستوره های خدا را استوار می سازد، او به مردم درباره ایمان به خدا، تذکر می دهد. خدا او را هدایت کرده و استوار نموده است، خدا کارها را به او سپرده است».

أَلَا- إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ ، مَنْ سَلَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ . أَلَا- إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً ، وَ لَا حُجَّةَ بَعْدَهُ ، وَ لَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ ، وَ لَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ . أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ ، وَ لَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ . أَلَا وَ إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ، وَ حَكْمُهُ فِي خَلْقِهِ ، وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ ، وَ عَلَانِيَتِهِ .

«بدانید که پیامبران قبل و جانشینان آنان، مژده آمدن مهدی علیه السلام را داده اند، از میان حجّت های خدا، فقط او باقی می ماند و پس از او حجّتی دیگر وجود ندارد.

حقّ فقط با اوست و نور خدا فقط نزد اوست. هیچ کس بر او غلبه پیدا نمی کند، او بر همه دشمنانش پیروز می شود، او از طرف خدا، سرپرست و صاحب اختیار مردم



است، و حکم خدا را برای مردم اجرا می کند. همه امانت های آشکار و پنهان خدا نزد اوست».

\*\*\*

آقای من! باز هم ممنون تو هستیم که از آخرین موعود آسمانی سخن گفتی، از فرزندت مهدی علیه السلام بردی و ویژگی های او را بیان نمودی. تو چندین بار در این سخنرانی از او یاد کردی و این گونه به من درس دادی که مبدا امام زمان خویش را فراموش کنم! در روزگاری گرفتار شده ام که فراموش نمودن امام زمان، مُد روز شده است، خیلی ها دیگر آن یار سفر کرده را از یاد برده اند، آیا من هم همانند آنان خواهم شد؟ من که پیام غدیر را فهمیده ام، دیگر هم رنگ جماعت نمی شوم، دلم را به عشق امام زمانم پیوند می زنم و از غیر او دوری می کنم. می دانم زندگی بدون یاد امام زمان، مردگی است و مرگ بدون معرفت او، مرگ جاهلیت است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ، وَأَفْهَمْتُكُمْ، وَهَدَا عَلِيُّ يُفْهِمُكُمْ بَعْدِي. أَلَا وَإِنِّي عِنْدَ انْقِصَاءِ خُطْبَتِي، أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ، وَ الْأَعْقَابِ بِهِ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدِي، أَلَا إِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ، وَ عَلِيٌّ قَدْ بَايَعَنِي، وَأَنَا آخِذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ. فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ، وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ، فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا.

به مردم خبر می دهی که دین خدا را برای آنان بازگو نمودی و بعد از تو، این وظیفه را علی علیه السلام عهده دارد، هر کس بخواد دین واقعی را بشناسد باید آن را

از علی علیه السلام میآموزد.

اکنون از همه می خواهی تا نزد تو بیایند و به امامت علی علیه السلام اقرار کنند و با تو و علی علیه السلام بیعت نمایند.

تو با خدا بیعت کرده ای و علی هم با تو بیعت نموده است، اکنون می خواهی از مردم برای علی علیه السلام بیعت بگیری. این یک پیمان آسمانی است و خدا به آن دستور داده است، مبادا کسی خیال کند که خدا به این پیمان نیاز دارد.

هرگز! هر کس پیمان شکنی کند به خدا ضرری نمی زند، بلکه به خودش ضرر زده است، هر کس هم به این پیمان وفادار بماند، خدا پاداشی بس بزرگ به او می دهد.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ الْحَجَّ وَالصَّفَا، وَالْمَرَوَةَ وَالْعُمْرَةَ، مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ، فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ، فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ، أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا، وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا، فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ. مَعَاشِرَ النَّاسِ! حِجُّوا الْبَيْتَ، فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتٍ إِلَّا اسْتَعْنُوا، وَلَا تَحْلِفُوا عَنْهُ إِلَّا أَفْتَرُوا.

تو با مردم از مدینه حرکت کردی و حج را به جا آوردی، این آخرین حج تو بود، دیگر فرصتی پیش نخواهد آمد تا درباره حج سخن بگویی، پس فرصت را غنیمت می شماری تا درباره این واجب الهی سخن بگویی.

اکنون به مردم خبر می دهی که حج، عمره، صفا و مروه از نشانه های دین خداست. هر کس به حج برود، یا عمره به جا آورد، باید سعی بین صفا و مروه کند.

هر کس فرمان خدا را اطاعت کند، خدا به او پاداش می دهد زیرا خدا از همه چیز آگاهی دارد و قدرشناس است.

از مردم می خواهی به حج بروند، هر کس حج به جا آورد، گرفتار فقر نمی شود. به مردم هشدار می دهی که مبادا حج را ترک کنند، زیرا اگر حج را ترک کنند به فقر و

تنگدستی گرفتار می شوند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ، إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ، مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ، إِلَى وَقْتِهِ ذَلِكَ، فَإِذَا انْقَضَتْ حَجَّتُهُ، أُسْتُونَفَ عَمَلُهُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ! الْحُبَّاجُ مُعَانُونَ، وَنَفَقَاتُهُمْ مُحَلَّفَةٌ، وَاللَّهُ لَا يُضَيِّعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ. مَعَاشِرَ النَّاسِ! حِجُّوا الْبَيْتَ، بِكَمَالِ الدِّينِ وَالتَّقْوَى، وَلَا تَتَصَدَّرُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ، إِلَّا بِتَوْبَةٍ وَإِفْلَاحٍ.

رفتن به سرزمین عرفات، مشعر و منا از اعمال حج است، وقتی مومنی به این سه سرزمین می رود خدا همه گناهان گذشته اش را می آمرزد و در پایان حج، هیچ گناهی در پرونده اش نمی ماند، پرونده گناهان او پاک می شود، او نباید نگران گذشته اش باشد، بعد از حج، دیگر وقت آن است که او اعمال نیک انجام دهد.

آری، خدا به حاجیان کمک می کند و هر چه آنان برای حج خرج کنند، به آن ها برمی گرداند و آن را جبران می کند، خدا پاداش نیکوکاران را به صورت کامل عطا می کند. از مردم می خواهی تا با دین کامل و بینش عمیق به حج بروند و از گناهان دست بردارند و بدون توبه، از حج برنگردند. حاجی باید وقتی از این سفر بازمی گردد دیگر گناه نرود.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! أَقِيمُوا الصَّلَاةَ، وَآتُوا الزَّكَاةَ، كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ. لَئِنْ طَالَ عَلَيْكُمُ الْأَمَدُ، فَقَصِّرْتُمْ أَوْ نَسِيْتُمْ، فَعَلَيْكُمْ وَلِيُكْمَ وَ مُبَيِّنٌ لَكُمْ، الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، بَعْدِي وَ مَنْ خَلَفَهُ اللَّهُ مِنْنِي وَ مِنْهُ، يُخَيِّرُكُمْ بِمَا تَسْأَلُونَ عَنْهُ، وَ يُبَيِّنُ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

از مردم می خواهی همان گونه که خدا دستور داده است نماز را به پا دارند و زکات مالشان را پردازند و اگر زمانی سپری شد و آنان در انجام دستورهای خدا کوتاهی

کردند یا وظیفه خود را فراموش کردند به علی علیه السلام مراجعه کنند تا آنان را راهنمایی کند، به راستی که او سرپرست و صاحب اختیار این امت است و دین را برای آنان بیان می کند.

خدا پس از تو، علی علیه السلام را برگزیده است، او و فرزندانش، جانشینان تو هستند و خدا آن ها را معین کرده است. مردم باید سوال های خود را از آنان بپرسند تا پاسخ بشنوند و به حقیقت آگاه گردند.

أَلَا إِنَّ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ، أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهُمَا وَأُعْرِفَهُمَا، فَأَمَرَ بِالْحَلَالِ وَأَنْهَى عَنِ الْحَرَامِ، فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ.

برای مردم می گویی که حلال و حرام بیش از آن است که تو همه آن ها را در اینجا یادآور شوی، برای همین در یک کلام، مردم را به انجام همه واجبات و دوری از همه گناهان، سفارش می کنی! فَأَمَرْتُ أَنْ أَخَذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ، وَ الصَّفَقَةَ لَكُمْ، يَقْبُولُ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فِي عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ، الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَمِنْهُ، أَيْمَةُ قَائِمَةٍ، مِنْهُمْ الْمَهْدِيُّ، إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، الَّذِي يَقْضِي بِالْحَقِّ.

خدا به تو دستور داده است تا امروز از مردم بیعت بگیری، پس به آنان چنین می گویی: «با من و علی بیعت کنید و امامت او و یازده امام بعد از او را قبول نمایید. بدانید که آن یازده امام از نسل من و از نسل علی می باشند، بدانید که مقام امامت تا روز قیامت فقط برای آنها است و آخرین آنها مهدی علیه السلام است».

آقای من! این چهارمین بار است که در این خطبه، نام «مهدی علیه السلام» را ذکر می نمایم، تو این گونه شوق به آخرین امام را در جان و دل ما نهادینه می کنی! وقتی این خطبه را با دقت بررسی می کنم می بینم تو 25 جمله زیبا درباره

مهدی علیه السلام به کار برده ای و ویژگی ها او را برای ما بیان نموده ای، آری، یاد مهدی علیه السلام همچون کیمیاست، شاید در اوج سیاهی ها و ناامیدی گرفتار آیم، ولی کیمیایی که تو به دستم دادی، خاک را طلا می کند، من دیگر هرگز ناامید نمی شوم، زیرا جوانه باور به آینده روشن و زیبا را در وجودم کاشتی! آقای من! ممنون تو هستم.

\*\*\*

من عهد می بندم که امام زمان خویش را فراموش نکنم، من می دانم که به برکت وجود او، همه روزی می خورند، اگر خدا باران می فرستد، اگر خورشید می تابد، به خاطر اوست، اگر او نباشد، زمین و زمان بر هم پیچیده می شود.

خدا به خاطر او این هستی را برپا نگه داشته است، هر کجای جهان، قلبی می تپد و نفسی در سینه جاری است، هر کجا اثری از زندگی هست از برکت وجود اوست. همه هستی به اذن خدا بر سر سفره او، مهمان هستند. چه شده است که صاحب سفره فراموش شده است؟ مَعَاشِرَ النَّاسِ! وَكُلُّ حَلَالٍ دَلَلْتُمْ عَلَيْهِ، أَوْ حَرَامٍ نَهَيْتُمْ عَنْهُ، فَإِنِّي لَمَ أَزْجِعُ عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ أُبَدِّلْ. أَلَا فَادْكُرُوا ذَلِكَ، وَ احْفَظُوهُ، وَ تَوَاصَوْا بِهِ، وَ لَا تَبَدَّلُوهُ وَ لَا تُغَيِّرُوهُ. أَلَا وَ إِنِّي أُجَدِّدُ الْقَوْلَ. أَلَا فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ، وَ آتُوا الزَّكَاةَ، وَ أَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ، وَ انْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ.

هر آنچه از دین خدا بازگو کرده ای، تغییر نمی کند، حلال خدا همیشه حلال است و حرام او همیشه حرام خواهد بود. از مردم می خواهی تا از این دین، مراقبت کنند و آن را تغییر ندهند، مردم نباید دستورات خدا را از یاد ببرند، آنان باید یکدیگر را به انجام واجبات و دوری از گناهان توصیه کنند.

تو بار دیگر سخنت را تکرار می کنی: «ای مردم! نماز را به پا دارید، زکات مالتان را بپردازید، امر به معروف و نهی از منکر کنید».

أَلَا وَإِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ، وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، أَنْ تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي، وَتُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ، وَتَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ، وَتَنْهَوُهُ عَنِ مُخَالَفَتِهِ، فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَنِيٌّ، وَلَا أَمْرٌ بِمَعْرُوفٍ وَلَا نَهْيٌ عَنِ مُنْكَرٍ، إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ.

تو از مردم خواستی تا امر به معروف و نهی از منکر بنمایند، به راستی مهم ترین و بالاترین امر به معروف و نهی از منکر چیست؟ تو خود پاسخ این سوال را این گونه می دهی: «ای مردم! بدانید که مهم ترین و بالاترین امر به معروف و نهی از منکر این است که در این سخنان من استوار و ثابت قدم بمانید و سخنانم را به دیگران برسانید و از آنان بخواهید که سخنانم را بپذیرند و با آن مخالفت نکنند. این فرمانی است که از جانب خداست و من شما را به اطاعت از آن امر می کنم، بدانید که امر به معروف و نهی از منکر همان امر و نهی امام معصوم است».

\*\*\*

آقای من! تو در اینجا از حج، نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر سخن گفتی، برای ما بیان کردی که حلال خدا تا روز قیامت حلال است و حرام خدا هم تا آن روز حرام.

من این جملات تو را شنیدم، ولی دوست دارم بدانم ارتباط این جملات با ولایت علی علیه السلام چیست؟ وقتی خوب فکر می کنم به این نتیجه می رسم که تو این گونه می خواستی سلطه شیطان را در جامعه از بین ببری.

دشمنان علی علیه السلام پیروان شیطانند، معلوم است وقتی در جامعه ای از نماز خبری

نیست و زکات داده نمی شود و گناه زیاد می شود، شیطان جولان می دهد، در چنین جامعه ای دشمنان ولایت، راحت تر می توانند به اهداف خود برسند.

آری، همه همت شیطان این است که انسان ها را به هلاکت برساند، وقتی جامعه به معصیت رویاورد، کار شیطان راحت تر می شود. خدا علی علیه السلام را به عنوان امام قرار داد تا با سلطه تاریکی مبارزه کند، حجّ، نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر سلطه شیطان بر جامعه را از بین می برد و آن وقت است که جامعه نورانی می شود و به نور خدا که علی علیه السلام است عشق می ورزد.

ص: 73





مَعَاشِرَ النَّاسِ! الْقُرْآنُ يُعَرِّفُكُمْ، أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ وُلْدُهُ، وَعَرَفْتُمْ أَنَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ، حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ: «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ.» وَقُلْتُ: «لَنْ تَضِلُّوا، مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا» تو در سخنان خود خبر دادی که خدا بعد از علی علیه السلام یازده امام برای هدایت این امت قرار داده است، این یازده امام از نسل علی علیه السلام هستند. برای مردم بازگو کردی که علی علیه السلام از توست و تو هم از علی علیه السلام هستی! اکنون آیه 28 سوره زُخْرَف را می خوانی تا همه بدانند قرآن این مطلب را آشکار کرده است.

خدا در آن آیه چنین می گوید: «و خدا امامت را کلمه ای ماندگار در نسل او قرار داد». این آیه اشاره به علی علیه السلام است، تو برای مردم بازگو می کنی که خدا امامت را کلمه ای ماندگار در نسل علی علیه السلام قرار داده است.

تو بارها برای مردم گفتی که در این امت برای روزگار بعد از خودت، دو یادگار ارزشمند قرار می دهی: «قرآن و اهل بیت». تا زمانی که مردم از این دو دست

برندارند، هرگز گمراه نمی شوند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! التَّقْوَى التَّقْوَى، احذَرُوا السَّاعَةَ، كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ. اذْكُرُوا الْمَمَاتَ وَالْحِسَابَ وَالْمَوَازِينَ، وَ الْمُحَاسَبَةَ بَيْنَ يَدَيْ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ الثَّوَابَ وَالْعِقَابَ، وَ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ أَثِيبَ عَلَيْهَا، وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ، فَلَيْسَ لَهُ فِي الْجَنَانِ نَصِيبٌ.

از مردم می خواهی تقوا پیشه کنند و از گناهان دوری کنند، از عذاب روز قیامت بترسند چرا که خدا در قرآن می گوید: «زلزله روز قیامت واقعه ای بسیار ترسناک و سهمگین است».

سفارش می کنی که ما همیشه به یاد مرگ باشیم، حساب و سنجش اعمال را به یاد آوریم که سرانجام در پیشگاه خدا به حساب ما رسیدگی خواهد شد و ما نتیجه اعمال خوب و بد خود را خواهیم دید. آری، هر کس در روز قیامت به همراه خود، اعمال نیک آورده باشد، پاداش زیبای آن را می بیند و به بهشت می رود، و هر کس نافرمانی خدا را کرده باشد در بهشت جایی ندارد.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكُفِّ وَاحِدِهِ، وَ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، أَنْ أَخُذَ مِنَ السَّيِّئَاتِكُمْ، الْأَقْرَارَ بِمَا عَقَدْتُ لِعَلِيِّ، مِنْ أَمْرِهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ مَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ مِنِّي وَ مِنْهُ، عَلَيَّ مَا أَعْلَمْتُمْكُمْ، أَنْ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ.

رسم بر این است که برای پیمان بستن، مردم با تو دست بدهند، اما جمعیتی که اینجا جمع شده اند بسیار زیاد است که نمی شود همه در یک روز برای بیعت، به تو دست بدهند، به همین دلیل خدا به تو دستور می دهد تا سه روز در سرزمین غدیر بمانی و از همه برای امامت علی علیه السلام و یازده فرزند او بیعت بگیری، همان یازده

امام که از نسل تو و نسل علی علیه السلامی باشند. از همه می خواهی تا به ولایت علی علیه السلام و ولایت امامان بعد او اقرار کنند.

آری، از نقشه های منافقان آگاهی داری و می دانی که آنان به دنبال بهانه ای می گردند، برای همین با «اقرار زبانی» راه بهانه را می بندی تا هیچ کس در آینده نتواند عذر بیاورد که سخنان پیامبر برایم آشکار نبود.

فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ: «إِنَّا سَامِعُونَ، مُطِيعُونَ، رَاضُونَ، مُنْقَادُونَ، لِمَا بَلَّغَتْ عَنْ رَبِّنَا وَرَبِّكَ، فِي أَمْرِ عَلِيٍّ وَ أَمْرِ وُلْدِهِ مِنْ صُلْبِهِ، مِنَ الْأَيْمَةِ. نُبَايِعُكَ عَلِيَّ ذَلِكَ، بِقُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا وَ أَيْدِينَا، عَلَيَّ ذَلِكَ نَحْيًا وَ نَمُوتُ وَ نُبْعَثُ، وَ لَا نَغَيِّرُ وَ لَا نَبْدُلُ، وَ لَا نَشْكُ وَ لَا نَرْتَابُ، وَ لَا نَرْجِعُ عَنْ عَهْدٍ وَ لَا نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ. نُطِيعُ اللَّهَ وَ نُطِيعُكَ، وَ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ وُلْدَهُ الْأَيْمَةَ، الَّذِينَ ذَكَرْتَهُمْ، مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ صُلْبِهِ، بَعْدَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، الَّذِينَ قَدْ عَرَفْتَكُمْ مَكَانَهُمَا مِنِّي، وَ مَحَلَّهُمَا عِنْدِي، وَ مَنْزِلَتَهُمَا مِنْ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ، فَقَدْ أَذَيْتُ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ، فَإِنَّهُمَا سَيِّدَا سَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَ إِنَّهُمَا الْأَمَامَانِ بَعْدَ أَبِيهِمَا عَلِيٍّ، وَ أَنَا أَبُوهُمَا قَبْلَهُ.» اکنون تو از همه می خواهی تا این جملات را تکرار کنند:

ای پیامبر! تو دستور خدا را درباره امامت علی علیه السلام و امامان بعد او به ما رساندی و ما آن را شنیدیم و این دستور را اطاعت می کنیم و به آن راضی و خشنودیم.

ما با دل و دست و زبان با تو پیمان می بندیم که سخنان تو را اطاعت کنیم. ما بر سر این پیمان خود هستیم تا زمانی که زنده ایم، با این پیمان جان می دهیم و با این پیمان سر از قبر برمی داریم. هرگز پیمان خود را تغییر نمی دهیم و در آن شک نمی کنیم، ما همواره بر سر بیعت خود می مانیم و هرگز پیمان شکنی نمی کنیم.

ما خدا را اطاعت می کنیم و از تو، از علی علیه السلام و از فرزندان او که امامان ما هستند، پیروی می نماییم.

ای پیامبر! تو از امامان پس از علی علیه السلام یاد کردی و گفتی که آن ها فرزندان تو هستند و از نسل علی علیه السلامی باشند. برای ما گفتی که حسن و حسین علیهما السلام بعد از پدرشان دو امام هستند، امامان بعدی، پس از این دو خواهند بود. تو جایگاه حسن و حسین علیهما السلام را برای ما بیان کردی و گفتی که آنان چه مقامی نزد خدا دارند. تو همه مطالب را به ما رساندی و برایمان بیان کردی. حسن و حسین علیهما السلام، دو آقا و سرور اهل بهشت هستند و پس از پدرشان علی علیه السلام، امام اند. حسن و حسین علیهما السلام از نسل تو می باشند \*\*\*

همه مردم این سخنان را با صدای بلند تکرار می کنند.

فَقُولُوا: "أَطَعْنَا اللَّهَ بِذَلِكَ وَإِيَّاكَ، وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ، وَالْآئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَ، عَهْدًا وَمِيثَاقًا مَأْخُودًا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، مِنْ قُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَالسِّنِّيْنَا، وَمُصَافَقِهِ أَيَّدِينَا، مَنْ أَدْرَكَهُمَا بِيَدِهِ، وَأَقْرَبَهُمَا بِلِسَانِهِ. وَلَا تَبْغِي بِذَلِكَ بَدَلًا، وَلَا تَرِي مِنْ أَنْفُسِنَا عَنْهُ حَوْلًا أَبَدًا، أَشْهَدْنَا اللَّهَ - وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا، وَأَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ، وَكُلُّ مَنْ أَطَاعَ مِمَّنْ ظَهَرَ وَاسْتَتَرَ، وَ مَلَائِكَةُ اللَّهِ وَ جُنُودُهُ وَ عِبِيدُهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ كُلِّ شَهِيدٍ." بار دیگر از مردم می خواهی تا این جملات را با هم اقرار کنند:

ای پیامبر! ما از این دستورهای خدا و فرمان های تو اطاعت می کنیم و از علی علیه السلام، حسن و حسین علیهما السلام و امامان پس از آن ها، پیروی می کنیم.

ای پیامبر! تو از قلب ما و از دست و زبان ما برای علی علیه السلام که جانشین توست،

بیعت می گیری! هر کدام از ما با دست بیعت می کند و پیمان می بندد و با زبان، این گونه اقرار می کند.

ای پیامبر! ما جایگزینی برای علی علیه السلام قرار نمی دهیم و هرگز نظرمان را درباره او تغییر نمی دهیم. خدایا! تو گواه و شاهد باش که راست می گوییم! به راستی که خدا برای گواهی دادن، کافی است.

ای پیامبر! تو نیز بر گفتار ما، شاهد و گواه هستی. همه فرشتگان و همه بندگان خدا شاهد و گواه این سخنان ما هستند و خدا از هر شاهدهی بزرگ تر است.

\*\*\*

تو از مردم این گونه پیمان گرفتی، آنان یک صدا این جملات را تکرار کردند و اقرار کردند که ولایت علی علیه السلام را پذیرفته اند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَا تَقُولُونَ؟ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ، وَ خَافِيَهُ كُلِّ نَفْسٍ. فَمَنْ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ، وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا، وَ مَنْ بَايَعَ فَإِنَّمَا يُبَايِعُ اللَّهَ، يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ.

خدا به تو خبر داده است که عدّه ای در میان همین مردم برای ظلم در حقّ علی علیه السلام برنامه ریزی می کنند، آنان همان منافقان هستند که دور و بودن مهمترین ویژگی آنان است، آنان به ظاهر این جملات را به زبان آوردند ولی هرگز به آن ایمان نیاورده اند، آنان نماز هم که می خوانند برای فریب مردم است و هرگز به خدا ایمان ندارند. جمعیت آنان اندک است ولی آنان با همین جمعیت اندک، می خواهند بعد از توفته ای بزرگ برپا کنند. آنان در گوش یکدیگر از نقشه های خود می گویند، به یکدیگر یادآوری می کنند که باید صبر کنیم تا زمان اجرای نقشه ما فرا برسد و حکومت را به دست بگیریم!

اکنون می خواهی با آن منافقان چند جمله سخن بگویی، بدون آن که نام آنها را ببری چنین می گویی: «شما چه می گوید و در دل های شما چه می گذرد؟ بدانید که خدا هر صدایی را می شنود و از دل هایتان آگاه است. اگر در راه راست قدم بگذارید، سود آن به خودتان برمی گردد، و اگر از آن منحرف شوید، به ضرر خودتان خواهد بود. هر کس امروز با من و علی علیه السلام بیعت کند، در واقع با خدا بیعت کرده است، دست خدا، بالای همه دست هاست».

مَعَاشِرَ النَّاسِ! فَاتَّقُوا اللَّهَ، وَبَايِعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ، وَالْأَيْمَةَ كَلِمَةً طَيِّبَةً بَاقِيَةً، يُهْلِكُ اللَّهُ مَنْ غَدَرَ، وَبِرَحْمٍ مَنْ وَفَى، «فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ، وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ، فَسَدَّ يُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا.» بار دیگر از مردم می خواهی تقوا پیشه کنند و با علی علیه السلام و حسن و حسین علیهما السلام و امامان بعد از آنها، بیعت کنند که همه آنان، کلمه های ماندگار خدا در روی زمین هستند.

اکنون دعا می کنی که هر کس عهدشکنی کند خدا او را نابود کند و هر کس بر این پیمان خود وفادار بماند، خدا به او مهربانی فراوان کند! سپس آیه 10 سوره فتح را می خوانی: «هر کس در پیمان خود، عهدشکنی کند به خود ستم کرده است و هر کس به این پیمان وفادار بماند خدا به زودی به او پاداشی بس بزرگ می دهد».

مَعَاشِرَ النَّاسِ! قُولُوا الَّذِي قُلْتُ لَكُمْ، وَاسَلِّمُوا عَلَيَّ يَا مَرْءَ الْمُؤْمِنِينَ.

از مردم می خواهی که وقتی می خواهند به علی علیه السلام کنند او را با نام «امیر مؤمنان» صدا بزنند و چنین بگویند: «سلام بر تو ای امیر مؤمنان».

قُولُوا: «سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا، غُفْرَانَكَ رَبَّنَا، وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ.» وَقُولُوا: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا، وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ. لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ. وَنُودُوا أَنْ تَتَّكُمُ الْجِنَّةُ، أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ.» از مردم می خواهی تا همه، آیه 285 سوره بقره را بخوانند: «ای پیامبر! ما سخنان را شنیدیم و از آن ها پیروی می کنیم».

سپس از آنان می خواهی تا آیه 43 سوره اعراف را همه بخوانند، این آیه سخن اهل بهشت است وقتی که وارد بهشت می شوند، چنین می گویند: «خدایی را سپاس می گوئیم که ما را به این جایگاه پر از نعمت، رهنمون ساخت و اگر او ما را راهنمایی نمی کرد و پیامبران را برای راهنمایی ما نمی فرستاد، ما هرگز به این مقام، راه نمی یافتیم، به درستی که پیامبران ما را به حق رهبری کردند». و خدا هم در جواب به آنان چنین ندا می دهد: «این همان بهشتی است که شما به وسیله اعمال خوب خود، وارث آن شده اید».

\*\*\*

آقای من! سخن تو رو به پایان است، تو امروز آیه های فراوانی را برای ما خواندی، اما آخرین آیه ای که بر زبانت جاری شد آیه 43 سوره اعراف بود. به راستی چه رمز و رازی در این آیه است؟ گویا تو می خواهی این مطلب را به ما برسانی که ولایت علی علیه السلام، همان بهشتی است که خدا به ما وعده داده است، کسی که ولایت علی علیه السلام را قبول کند در همین دنیا به بهشت وارد شده است. خدا را شکر می گوئیم که بهشت را به من ارزانی داشت.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَقَدْ أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ، أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ أَنْبَأَكُمْ بِهَا وَعَرَفَهَا

فَصَدَّقُوهُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ - وَرَسُولَهُ وَعَلِيًّا، وَ الْأَيْمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ، فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا.

تو امروز از فضیلت های علی علیه السلام سخن ها گفتی، امروز نکته مهمی را تذکر می دهی: «ای مردم! فضیلت های علی علیه السلام که خدا در قرآن از آن یاد کرده است بیش از آن است که بتوان آنها را یک جا بیان کرد، پس هر کس که از فضیلت های او آگاه باشد و برای شما از آن سخن بگوید، پس سخناش را قبول کنید. ای مردم! هر کس از خدا و پیامبر او و از علی علیه السلام و از امامانی که معرفی کردم، اطاعت نماید، به رستگاری بزرگی می رسد».

مَعَاشِرَ النَّاسِ! السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ، إِلَىٰ مُبَايَعَتِهِ وَ مَوْلَاتِهِ، وَ السَّلِيمِ عَلَيْهِ بِأَمْرِهِ الْمُؤْمِنِينَ، أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ، فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ.

درست است که جمعیت فراوانی در صحرای غدیر گرد هم آمده اند و تواز همه، اقرار زبانی گرفتی، ولی برنامه بعدی این است که مردم نزد علی علیه السلام بیایند و با او دست بدهند و بیعت کنند، اکنون تو چنین می گویی: «ای مردم! کسانی که زودتر از دیگران، با علی علیه السلام بیعت کنند و به ولایت او ایمان بیاورند و به او با لقب "امیر مؤمنان" سلام دهند، از رستگاران هستند و به بهشت های پر از نعمت خدا، وارد می شوند».

نکته مهم این است: کسی که بیعت می کند باید به ولایت علی علیه السلام باور داشته باشد و گر نه منافقان هم در صف اول ایستاده اند و برای فریب کاری می خواهند زودتر از همه بیعت کنند، بیعت آنان هیچ فایده ای ندارد، زیرا آنان دورو هستند، کسی که نفاق دارد به خشم خدا گرفتار می شود و جایگاه او جهنم است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ، فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ



فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا، فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ، وَ اغْضِبْ عَلَى الْكَافِرِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

بار دیگر روبه مردم می کنی و چنین می گویی: «به آن چه خدا می پسندد، ایمان بیاورید؛ بدانید اگر شما و مردم روی زمین، همگی کافر شوید، به خدا هیچ ضرری نمی رسد».

سپس چنین دعا می کنی: «خدایا! آمرزش خود را بر مؤمنان فرو فرست و بر کافران غضب نما!».

بعد از آن، آخرین جمله سخنرانی خود را این چنین بیان می کنی: «خدا را حمد و ستایش می کنم که پروردگار جهانیان است». و این گونه اولین و آخرین جمله خطبه غدیر، حمد و ستایش خدا می شود، به راستی که همه خوبی ها و زیبایی ها از آن خداست.

\*\*\*

آقای من! اکنون که خطبه تو به پایان رسید، سوالی به ذهنم می رسد: چرا این خطبه با «بسم الله» شروع نکردی؟ مگر خودت نگفتی هر کاری که با «بسم الله» آغاز نشود، ناقص است. من در جستجوی پاسخ این سوال هستم! \*\*\*

وقتی بررسی می کنم متوجه می شوم که تو این سخن را هم گفته ای: «هر کاری که با حمد خدا آغاز نشود، ناقص است».<sup>(1)</sup> آری، این روش تو بود، تو از مردم می خواستی که کارهای خود را یا با «بسم الله»

ص: 83

---

1- . کل کلام لایبداً فیه بالحمد فهو اقطع: بحار الأنوار ج 90 ص 216 ط. بیروت.

یا با «الحمد لله» آغاز کنند. یک مسلمان هر کار را باید با یاد خدا آغاز کند: یاد خدا گاه با «بسم الله» است و گاه با «الحمد لله».

تو خطبه غدیر را با حمد خدا شروع می کنی و با حمد خدا به پایان میبری، به راستی چه عبارتی به اندازه «الحمد لله» زیبا و دلربا است؟ وقتی من به این جمله باور دارم، به چه رسیده ام؟ در جهان، چقدر زیبایی و خوبی می بینم؟ خدا را سرچشمه همه خوبی ها و زیبایی ها می دانم.

«الحمد لله» یعنی: خدا مهربان است، بخشنده است. زیباست. گناهان بندگان خود را می بخشد، اوست که به بندگان خود روزی می دهد، او انسان ها را به حال خود رها نمی کند، برای آنان در هر زمان، حاجتی قرار می دهد، وقتی کسی به او پناه آورد، او را پناه می دهد...

من باید به خاطر نعمت ولایت علی علیه السلام خدا را حمد و ستایش بگویم و چنین بگویم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

\*\*\*

آقای من! تو در این خطبه، «بسم الله» را تفسیر کردی، زیرا علی علیه السلام، حقیقت بسم الله است، او نشانه ای از عظمت خداست، او نور خداست. او اسم خداست...

به راستی من به دنبال چه هستم؟ تو در سراسر این خطبه از حقیقت بسم الله سخن گفتی! اکنون آن سخن علی علیه السلام را به یاد می آورم که فرمود: «من همان نقطه زیر حرف باء در بسم الله هستم».<sup>(1)</sup> آقای من! اینجا دیگر کتاب به پایان می رسد، خودت می دانی پایان کتاب، آغاز

ص: 84

---

1- . أنا النقطة التي تحت الباء: ینابیع الموده ج 1 ص 212.

غصّه من است، غصّه این که چرا این روزهایی که برای شما می نوشتم، تمام شد، دیگر معلوم نیست چه زمانی توفیق، یار من شود...

مولای من! بار دیگر اجازه ام بده! مرا منتظر نگذار! وقتی لذت نوکری شما را چشیدم دیگر دلم به چیزهای دیگر، خوش نمی شود...

پایان

ص: 85



## سوالات سابقه کتاب خوانی

1. این جمله را با توجه به خطبه غدیر تکمیل کنید: «خدا ... هرگز به بن بست نمی رسد» که نیاز به راه حل پیدا کند».

الف . روزی دادن به بندگان

ب . آفرینش جهان

ج . بیان حقیقت

2. جبرئیل چند بار نزد پیامبر آمد و از طرف خدا به او دستور داد در سرزمین «غدیر» توقف کند؟

الف . یک بار

ب . پنج بار

ج . سه بار

3. این ترجمه کدام آیه است؟ «فقط خدا و پیامبر و کسانی که در رکوع نماز، صدقه می دهند، بر شما ولایت دارند».

الف . سوره آل عمران آیه 167

ب . سوره اعراف آیه 157

ج . سوره مائده آیه 55

4. حکمت خدا درباره منافقانی که تصمیم داشتند با حق، مخالفت کنند چیست؟

الف . همه انسان ها امتحان بشوند

ب . همه انسان ها، حتماً مومن بشوند

ج . همه انسان ها به کمال واقعی برسند.

5. علم و دانش او از همه برتر است و برای همین است که او ... .

الف . شایستگی امامت را دارد

ب . راه حق را آشکار می کند

ج . هیچکدام

6. «علی علیه السلام پیامبر را تا پای جان یاری کرد»، این مطلب در خطبه غدیر اشاره به چیست؟

الف . شجاعت علی علیه السلام در میدان جنگ

ب . ماجرای لیلۃ المیت

ج . بیعت رضوان

7. منظور از «جَنبَ اللّٰه» چیست؟

الف . راه خدا

ب . ولایت علی علیه السلام

ج . هر دو

8. در خطبه غدیر، پیامبر کدام سوره های قرآن را در مدح علی علیه السلام معرفی کردند؟

الف . کوثر، فجر، هل أتى

ب . حمد، کوثر، عصر

ج . هل أتى، حمد، عصر

9. این جمله ترجمه کدام آیه قرآن است: «به خدا و رسول خدا و نوری که به همراه او نازل شده است، ایمان بیاورید».

الف . سوره آل عمران آیه 167

ب . سوره اعراف آیه 157

ج . سوره مائده آیه 57

ص: 87

10 . پیامبر در این خطبه، چند بار نام «مهدی علیه السلام» را به زبان می آورند؟

الف . چهار بار

ب . سه بار

ج . دو بار

11 . پیامبر در این خطبه، سوره حمد را تفسیر کرد، سپس چه کسانی را «برادران شیطان» معرفی کرد؟

الف . منافقان

ب . دشمنان علی علیه السلام

ج . گمراهان

12 . کدام آیاتی زیر درباره دشمنان علی علیه السلام است و در این خطبه به آن اشاره شده است؟

الف . 8-11 سوره مُلک

ب . 82-84 سوره انعام

ج . 73-75 سوره زُمر

13 . پیامبر در این خطبه، کدام ویژگی را درباره مهدی علیه السلام بیان نکردند؟

الف . یاور دین خدا

ب . غیبت او طول می کشد

ج . خدا او را هدایت کرده است

14 . آخرین آیه ای که پیامبر در این خطبه خواند چه بود؟

الف . آیه 57 سوره مائده

ب . آیه 167 سوره آل عمران

ج . آیه 43 سوره اعراف

پاسخنامه سوالات کتاب «چشمه جاوید»

ج	ب	الف	*	ج	ب	الف	*
			۸				۱
			۹				۲
			۱۰				۳
			۱۱				۴
			۱۲				۵
			۱۳				۶
			۱۴				۷

نام...../نام خانوادگی...../نام پدر.....

سال تولد...../شماره شناسنامه...../تلفن.....

ص: 88



بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

